



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۷ خرداد ۱۴۰۰

جامع اول

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین بلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان

نام درس	نام طراحان
زبان و ادبیات فارسی	محسن اصغری، حنیف افخمی ستوده، احسان برزگر، هامون سیطی، محسن فدایی، کاظم کاظمی، سعید گنج‌بخش‌زمانی، مرتضی منشاری، نرگس موسوی، حسن وسکری، سیدمحمد هاشمی
زبان عربی	روح‌اله اصغری، نوید امساک، حسین رضایی، کاظم غلامی، مرتضی کاظم‌شیرودی، سیدمحمدعلی مرتضوی، الهه مسیح‌خواه، خالد مشیرپناهی
فرهنگ و معارف اسلامی	محبوبه ابتسام، ابوالفضل احدزاده، امین اسدیان‌پور، محسن بیانی، علیرضا ذوالفقاری‌زحل، محمد رضایی‌بقا، عباس سیدشبهستری، مرتضی محسنی‌کبیر، فیروز نژادنجف، سیدهادی هاشمی، سیداحسان هندی
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری، تیمور رحمتی کله‌سرای، حسن روحی، محمد طاهری، نوید مبلغی، عقیل محمدی‌روش، عمران نوری

نام درس	نام طراحان
ریاضی	محمد بحیرایی، کورش داودی، حمیدرضا سجودی، علی شهبازی، نسترن صمدی، علیرضا عبیدی
اقتصاد	نسرین جعفری، سارا شریفی، فاطمه فهیمیان، علیرضا رضایی، فاطمه حیاتی
زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)	حمید محدثی، سیدعلیرضا احمدی، محسن اصغری، فرهاد علی‌نژاد، محسن فدایی، عارفه‌سادات طباطبایی‌نژاد، ابودر احمدی
زبان عربی (اختصاصی)	نوید امساک، ولی برجی، محمد داورپناهی، حسین رضایی، محمدرضا سوری، کاظم غلامی، سیدمحمدعلی مرتضوی
تاریخ	علی‌محمد کریمی، علیرضا رضایی، میلاد هوشیار، جواد میربلوکی، میلاد باغ‌شیحی
جغرافیا	فاطمه سخایی
علوم اجتماعی	آریتا بیدقی، الهام رضایی، الهه خضری، مبیناسادات تاجیک، ارغوان عبدالملکی
فلسفه و منطق	نیما جواهری، فرهاد قاسمی‌نژاد، مجید پیرحسینلو، کیمیا طهماسبی، الهه فاضلی
روانشناسی	مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد، کوثر دستورانی، مبیناسادات تاجیک، سوفیا فرخی، محمدابراهیم مازنی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران
زبان و ادبیات فارسی	مرتضی منشاری	الهام محمدی	محسن اصغری، امیرمحمد دهقان، مریم شمیرانی
زبان عربی (عمومی)	نوید امساک	نوید امساک	درویشعلی ابراهیمی، سیدمحمدعلی مرتضوی، اسماعیل علی‌پور
فرهنگ و معارف اسلامی	امین اسدیان‌پور، سیداحسان هندی	محمد رضایی‌بقا	محمد آقاصالح، علیرضا ذوالفقاری‌زحل، سکینه گلشنی
زبان انگلیسی	سپیده عرب	سپیده عرب	سعید آچه‌لو، رحمت‌اله استیری، محدثه مرآتی
ریاضی	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند
اقتصاد	سارا شریفی	فاطمه فهیمیان	فاطمه صفری
زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)	حمید محدثی، فرهاد علی‌نژاد	حمید محدثی، فرهاد علی‌نژاد	وحید رضازاده، سیدعلیرضا احمدی، رضا نوروزبیدی
زبان عربی (اختصاصی)	سیدمحمدعلی مرتضوی	سیدمحمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی
تاریخ	میلاد هوشیار	میلاد هوشیار	زهره دامیار، مریم بوستان
جغرافیا	محمدعلی خطیبی بایقی	محمدعلی خطیبی بایقی	زهره دامیار، مریم بوستان
علوم اجتماعی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	آریتا بیدقی، محمدابراهیم مازنی
فلسفه و منطق	نیما جواهری	نیما جواهری	مجید پیرحسینلو، فرهاد علی‌نژاد، امیرکیا باقری
روانشناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد، امیرکیا باقری

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی (اختصاصی)، الهام محمدی (عمومی)
مسئول دفترچه	زهره دامیار (اختصاصی)، معصومه شاعری (عمومی)
گروه مستندسازی	مدیر: مازیار شیروانی‌مقدم، مسئول دفترچه: زهره قومشی (اختصاصی)، لیلا ایزدی (عمومی)
حروف چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی (اختصاصی)، زهره تاجیک (عمومی)
ناظر چاپ	سوران نعیمی

زبان و ادبیات فارسی

۱- گزینه «۳»

(کاتظم کاظمی)

معنی واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند:

ویله: صدا، آواز، ناله / نثار: افشاندن، پیشکش کردن
ردا: جامه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند، بالاپوش
تزار: پادشاهان روسیه در گذشته
بهرام: سیارهٔ مریخ

(فارسی ۱، لغت، واژه‌نامه)

۲- گزینه «۱»

(مسن و سگری - ساری)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: سهمگین: هراس‌انگیز، ترس‌آور
گزینه «۳»: حشر: رستاخیز، قیامت
گزینه «۴»: فرط: بسیاری

(فارسی ۲، لغت، واژه‌نامه)

۳- گزینه «۴»

(نرگس موسوی - ساری)

واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو / استبعاد: دور دانستن، بعید شمردن چیزی،
استبعاد داشتن: بعید و دور بودن از تحقق و وقوع امری / مَلِک: پادشاه، خداوند
(فارسی ۳، لغت، واژه‌نامه)

۴- گزینه «۱»

(شفیاف افخمی ستوره)

املای صحیح واژه «مذاق» و به معنای ذائقه است.

(فارسی ۳، املا، ترکیبی)

۵- گزینه «۴»

(نرگس موسوی - ساری)

دلدادگی و شیدایی، زره و جوشن، طاق و ستون، قرض و وام، شک و شایبه، منصوب
و گماشته

(فارسی ۳، املا، ترکیبی)

۶- گزینه «۳»

(مرتضی منشاری - اربیل)

تشریح گزینه‌های دیگر

املای درست واژه‌ها:
گزینه «۱»: خوابید ← خایید
گزینه «۲»: تبع ← طبع
گزینه «۴»: بهر ← بحر

(فارسی ۲، املا، ترکیبی)

۷- گزینه «۲»

(مسن اصغری)

۱- حسین واعظ کاشفی: اخلاق محسنی ۲- جامی: تحفة الاحرار ۳- سیدحسن
حسینی: هم‌صدا با حلق اسماعیل ۴- عین القضاة همدانی: تمهیدات ۵- مجد خوافی:
روضهٔ خلد

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: برای سپیده کاشانی اثری ذکر نشده است.
گزینه «۳»: مرتضی آوینی اثری در صورت سؤال ندارد.
گزینه «۴»: برای نظامی اثری نیامده است.

(فارسی ۳، تاریخ ادبیات، ترکیبی)

۸- گزینه «۳»

(مرتضی منشاری - اربیل)

تکرار: تکرار واژه‌های «صید» و «کمان» / حس‌آمیزی: ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: استعاره: ۱- کمان استعاره از ابرو ۲- آهو استعاره از عاشق / تشبیه
(اضافهٔ تشبیهی: تیر غمزه)
گزینه «۲»: استعاره: «تیر» استعاره از «اشارات ابرو» / تشبیه: «کمان ابرو»
گزینه «۴»: «که» ابتدا به معنی «چه کسی» و سپس به معنای «زیرا» و جناس
همسان دارند. / «سخت و لطیف» تضاد دارند.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۹- گزینه «۴»

(مسن فدایی - شیراز)

تعداد تشبیه‌ها به ترتیب:

گزینه «۱»: همچون درخت بادیه / برق شوق / میوهٔ سخن: ۳ تشبیه
گزینه «۲»: گلشن روی / آتش حسن / مرغ نگاه: ۳ تشبیه
گزینه «۳»: چون عنقا / قاف عشق / مرغ دل: ۳ تشبیه
گزینه «۴»: طوفان بلا / سیل غم: ۲ تشبیه

(فارسی ۱، آرایه، صغفه ۳۴)

۱۰- گزینه «۲»

(مسن اصغری)

حُسن تعلیل: دلیل غرق گلاب بودن گل، مشاهده کردن روی زیبا و عرفناک معشوق
دانسته شده است. / حس‌آمیزی ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: جناس: شراب و خراب / تشخیص: مخاطب واقع شدن خم
گزینه «۳»: استعاره: سیل استعاره از اشک، منزل استعاره از چشم / اغراق:
بزرگ‌نمایی اشک که به سیلی تشبیه شده است.
گزینه «۴»: تشبیه: دریای محیط فلک (فلک یا آسمان به دریا تشبیه شده است.) /
ایهام تناسب: عین: ۱- مثل و مانند (معنای مورد نظر) ۲- چشمه (مورد نظر نیست
اما با دریا و سراب تناسب دارد).

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۱۱- گزینه «۲»

(سعید کتبخان فش زمانی)

بیت «ج»: اسلوب معادله دارد. بین دل با فانوس، و بین راز عشق با شمع، معادله برقرار
شده و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است.
بیت «ب»: حسن تعلیل دارد: علت سکوت ما در طول روز این است که نَفَس‌مان صرف
آه سحرگاه شده است.
بیت «د»: پارادوکس دارد. غم، مایهٔ سرور است.
بیت «الف»: بین «دست و مست و هست» جناس دیده می‌شود.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۱۲- گزینه ۱»

(هامون سبطی)

با توجه به معنای بیت، «که» را باید «از» معنا کرد و در نتیجه «باران» متمم است. (معنای بیت: برای سرزنش و عتاب، فرد بد اخلاق و بدخلق مناسب تر است از دوستان نیک خوی خوش رفتار)

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۲»: که (چه کسی) داند که پشت که (چه کسی) آید به زیر

نهاد نهاد مضاف الیه متمم

گزینه «۳»: در گیتی، که (چه کسی) پدري چون تو دارد؟

مفعول گروه متممی (در نقش صفت)

گزینه «۴»: مُشک بویی نمی دهد تاشی (آن را) نسایی (و من هم هنرها در وجودم

مفعول

پنهان است، خود را می فرسایم تا هنرهایم را آشکار سازم.)

(فارسی ۲، دستور، صفحه ۱۳۲)

۱۳- گزینه ۲»

(شيف افخمی ستوره)

«غلام قامت آن لعبت»: آن: صفت مضاف الیه / لعبت: مضاف الیه مضاف الیه

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: نیک اندیش: صفت مضاف الیه / گزینه «۳»: تو (در نوش وصال تو و زنبور

سخن های تو) مضاف الیه مضاف الیه

گزینه «۴»: جوانی: مضاف الیه مضاف الیه

(فارسی ۳، دستور، صفحه های ۶۵ تا ۶۷)

۱۴- گزینه ۱»

(هامون سبطی)

هنگام رسم نمودار پیکانی، ابتدا باید وابسته های مراتب بالاتر را تعیین تکلیف کرد. در گروه اسمی «پارچه سبز بسیار تیره»، «پارچه» هسته گروه است و «سبز» صفت هسته. «تیره» صفت صفت است (وابسته مرتبه ۲) و «بسیار» قید آن است (وابسته مرتبه ۳)، بنابراین نخست باید «بسیار» را به «تیره» رساند.

پارچه سبز بسیار تیره

(فارسی ۳، دستور، صفحه های ۷۴ و ۷۵)

۱۵- گزینه ۳»

(سعید کنج پیش زمان)

گزینه «۳»: این تن، تن خاکی، آن رو (آن جهت، آن دلیل): ۳ ترکیب وصفی

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: زبان ناطقه، چه جای کلک، کلک بریده، زبان بیهوده گو: ۴ ترکیب وصفی

گزینه «۲»: هزار دل، یکی تار مو، هزار چاره گر، چارسو: ۴ ترکیب وصفی

گزینه «۴»: آن چشم، چشم سیه، مژگان دراز، هر کسی: ۴ ترکیب وصفی

(فارسی ۲، دستور، صفحه ۱۳۲)

۱۶- گزینه ۴»

(مرتضی منشاری - اربیل)

درگزینة «۴»، دو ترکیب وصفی و سه ترکیب اضافی وجود دارد:

ترکیب های وصفی: این جان، جان به لب رسیده

ترکیب های اضافی: چشم من (چشمم)، آرزومند تو، بند تو

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: هر سه واژه «شب، چشم، جان» نقش نهادی دارند.

گزینه «۲»: من عهد تو نشکنم: سه جزئی (نهاد + مفعول + فعل) / مانند تو نیست

(وجود ندارد): دو جزئی

گزینه «۳»: مسندها عبارتند از: ۱- آرزومند ۲- در بند تو

(فارسی ۳، دستور، ترکیبی)

۱۷- گزینه ۳»

(مسن فدایی - شیراز)

مفهوم مشترک ابیات گزینه های «۱»، «۲» و «۴»: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، ولی بیت گزینه «۳» در توصیف زلف معشوق است.

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۱۱۹)

۱۸- گزینه ۳»

(شيف افخمی ستوره)

در بیت گزینه «۳»، زمینه قهرمانی می بینیم، زیرا وصف قهرمانی های رستم است، اما در سایر ابیات زمینه خرق عادت دیده می شود؛ زیرا از موجودات غیر طبیعی مثل سیمرغ (گزینه «۱») بیرون آمدن سیاوش از آتش (گزینه «۲») و دیو (گزینه «۴») سخن می رود.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۰۶)

۱۹- گزینه ۲»

(مسن اصغری)

هر کس به خداوند توکل کند، خدا برای او کافی است.

مفهوم «به سامان شدن کارها با توکل و اعتماد به خداوند» به طور مشترک در آیه صورت سؤال و ابیات مرتبط بیان شده است.

مفهوم بیت گزینه «۲»: توصیه به تلاش کردن در کارها و بر دوش خلق نینداختن بار خود

(فارسی ۱، مفهوم، صفحه ۵۳)

۲۰- گزینه ۲»

(کاتظم کاتظمی)

مفهوم مشترک ابیات «الف و ه»: توصیه به قناعت و راضی بودن به مال اندک دنیا

مفاهیم سایر ابیات:

(ب) ستایش آزادی و بی تعلقی

(ج) ستایش تواضع و فروتنی

(د) توصیه به حفظ آبرو و اعتبار و ترجیح آن بر زندگی جاوید

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۱۲۵)

۲۱- گزینه ۱»

(هامون سبطی)

معنای بیت گزینه «۱»: جهان واقعی را جهان ذهن و درون خود بدان نه آنچه با دیدگان نمی بینی. بیت صورت سؤال نیز می گوید، جهان درون ماست و دنیای بیرون ما را تصویر می کند، اگر دل گرم باشیم دنیا را نیز گرم و تابستانی می بینیم و اگر فسرده و دم سرد باشیم، دنیا نیز سرمازده و زمستانی در چشم ما ظاهر می شود.

تشریح گزینه های دیگر

معنای بیت گزینه «۲»: در راه عشق، همه چیز عاشق در کف اختیار معشوق است؛ معشوقی قدر قدرت که در یک لحظه می تواند روزگار را بر عاشقی تابستان و بر دیگری سرد و زمستانی سازد.

معنای بیت گزینه «۳»: روح و جان (معشوق) به عاشق که در نبود معشوق چون پیکری بی جان بود، باز آمد، گویی پیکری فسرده با برگشتن جان دوباره گرما گرفت.

معنای بیت گزینه «۴»: عاشق نباید به مسائل مادی هیچ توجهی داشته باشد.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۶۲)

۲۲- گزینه ۳»

(امسان برزگر - رامسر)

(الف) مصراع دوم بیت «الف»، مفهوم (گندم نمای جو فروش)

(ب) مفهوم بیت، توکل

(ج) مفهوم مصراع اول لزوم عنایت حق

(د) مفهوم عدم وابستگی مادی و ترک تعلقات دنیوی برداشت می شود.

(فارسی ۱، مفهوم، ترکیبی)

۲۳- گزینه ۴»

(سیرمهر هاشمی - مشور)

در این بیت تأکید بر آن است که باید چشم باطن‌بین داشته باشیم و براساس ظاهر قضاوت نکنیم، زیرا افراد کوتاه‌بین تنها ظاهر را می‌بینند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: در این بیت به برابری ظاهر و باطن اشاره شده است.

گزینه «۲»: در این بیت ظاهر و باطن یکی هستند.

گزینه «۳»: در این بیت ظاهر زیباست، اما باطن نازیبا.

(فارسی (۳)، مفهومی، صفحه ۷۳)

۲۴- گزینه ۳»

(مرتضی منشاری - اربیل)

در غزلواره سؤال آمده است که هیچ حرف تازه‌ای باقی نمانده است که در مورد عشق عاشق یا زیبایی‌ها و خصلت‌های ارزشمند معشوق گفته نشده باشد و مفهوم «مقابل» آن در گزینه «۳» آمده است که می‌گوید: «صفات عشق بی‌پایان و تمام نشدنی است و گرنه همیشه در مورد عشق حرف تازه وجود دارد.»

(فارسی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۵۵)

۲۵- گزینه ۳»

(نرگس موسوی - ساری)

غرور و خودبینی انسان را از خدا دور می‌کند.

مفهوم عبارت صورت سؤال و سایر ابیات: حق و حقیقت جهان در درون خود یافتن است.

(فارسی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۲۵)

زبان عربی

۲۶- گزینه ۴»

(مرتضی کاظم شیروری)

«ما أُبْرئُ»: بی‌گناه نمی‌شمارم، تبرئه نمی‌کنم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أُمارة»: بسیار امرکننده (رد گزینه ۱) / «الستوء»: بدی (رد گزینه ۳) / «إِلَّا ما رَجِمَ رَبِّي»: مگر اینکه پروردگرم رحم کند (رد گزینه ۲) در گزینه «۲» ترجمه «به من» اضافی است.

(ترجمه)

۲۷- گزینه ۳»

(روح‌الله اصغری)

«أعجوبةٌ عصره»: اعجوبه زمانه خود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «له مخترعات»: اختراعاتی دارد (رد گزینه ۱) / «تَسَهَّلَ»: آسان می‌سازد (رد گزینه ۴) / «كثيراً من أعمال الإنسان»: بسیاری از کارهای انسان را (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۲۸- گزینه ۱»

(مرتضی کاظم شیروری)

«من» از ادات شرط است به معنای: هر که، هر کس (رد گزینه ۲) / «هَتَشَانَمَا»: بدبین (رد گزینه ۴) / «فی حیاته»: در زندگی‌اش / «رأى»: دید، می‌بیند (رد گزینه ۴) / «مشكلة عظيمة»: مشکل بزرگی (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «كُنْ»: باش (رد گزینه ۳) / «مُتَّفَانًا»: خوش‌بین (رد گزینه ۲).

توجه داشته باشید که در جملات شرطیه، فعل ماضی را می‌توان به صورت مضارع ترجمه کرد.

(ترجمه)

۲۹- گزینه ۴»

(کاظم غلامی)

«هناك نسج»: بافتی وجود دارد (رد گزینه ۳) / «حول جمجمة»: اطراف جمجمه / «هذا الطائر»: این پرنده / «حتی لا تضر»: تا آسیب نزند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «دماغه الصغیر»: مغز کوچک او / «ضربات سريعة»: ضربات سریعی (رد گزینه ۳) / «لنقر جذع الشجرة»: برای نوک زدن به تنه درخت (رد سایر گزینه‌ها).

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: پوسته: «نسج» یعنی «بافت» / «با» اضافی است / شاخه: «جذع» یعنی «تنه» / آسیب نرسد: «لا تضر» یعنی «آسیب نرساند»

گزینه «۲»: درختان: «الشجرة» مفرد است نه جمع / «باعث...» اضافی است.

گزینه «۳»: آنجا: «هناك» در این عبارت معنای «هست» یا «وجود دارد» می‌دهد. / «لایه»: مانند گزینه «۱» / «وقتی»: در این عبارت قید زمان وجود ندارد / «ضربات سریع» باید نکره باشد.

(ترجمه)

۳۰- گزینه ۴»

(کاظم غلامی)

«ضَعَّ»: قرار بده، بگذار / «فی غرفتک»: در اتاق (رد گزینه ۳) / «مصباح»: چراغ‌هایی (رد گزینه ۱) / «ألوان مختلفة»: رنگ‌هایی مختلف (رد گزینه ۱) / «حتی تُخرج»: تا بیرون بیاوری (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «تجلب»: بیاورد

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: چراغ‌های رنگی: اولاً حرف «ب» ترجمه نشده است. ثانیاً «ألوان» به معنای «رنگ‌ها» صفت نیست. / بیرون بیاید: «تُخرج» یعنی «بیرون بیاوری» / «زیرا که» اضافی است.

گزینه «۲»: دارند: کلمه یا ساختاری که مفهوم «مالکیت» را بدهد، در این عبارت وجود ندارد. / «که» خارج شود: نادرست است.

گزینه «۳»: اتاق: ضمیر «ک» ترجمه نشده است. / «زیرا» اضافی است.

(ترجمه)

۳۱- گزینه ۲»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«من الأفضل»: بهتر است (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «ألا یكلف»: (ألا: آن + لا) که تکلیف ندهد (رد گزینه ۳) / «المعلم»: معلم، آموزگار / «تلامیذه»: دانش‌آموزانش (رد گزینه ۱) / «ما لا یطیقونه»: چیزی را که توانش را ندارند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لن ینتفعوا به»: از آن سود نخواهند برد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

۳۲- گزینه ۳»

(فاله مشیریناهی)

«قد وصفت»: وصف کرده‌ام، توصیف کرده‌ام / «کلّ ملیح»: هر انسان (فرد) بانمکی (رد گزینه ۲) / «کما»: آن‌طور که، آن‌گونه که / «تَحْتَبِن»: دوست داری (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «ترضین»: می‌پسندی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أخاف»: می‌ترسم (رد گزینه ۴) / «أن تهجرینی»: که ترکم کنی، که مرا ترک کنی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «تذهبی من عندی»: از پیشم بروی (رد گزینه‌های ۱ و ۲).

توجه شود فعل‌های «تَحْتَبِن»، «ترضین»، «تهجرینی» و «تذهبی» همگی مربوط به صیغه «للمخاطبة (أنت)» مضارع هستند و باید به صورت مفرد ترجمه شوند.

(ترجمه)

۳۳- گزینه ۲»

(الله مسیح فواه)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «لا یجعلنی» مستقبل ترجمه شده است.

گزینه «۳»: «وأواصل» مضارع متکلم‌وحده است به معنای «ادامه دهم».

گزینه «۴»: «تم» در اینجا به معنای «انجام شد» است و نیز «السنة الأخيرة» به معنای سال اخیر است، نه آخر سال.

(ترجمه)

۳۴- گزینه «۴»

(روح الله اصغری)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «تَأَثَّرْتُ» فعل ماضی، در باب تفعّل است و به معنای «تأثیر پذیرفته است از...» نه «تأثیر گذاشته است».

گزینه «۲»: «يُعَدُّ» فعل مجهول است: به شمار می‌آید

گزینه «۳»: «الْتَزِمْتُ» فعل امر است: پایبند باش. «تَتَخَلَّصُ»: رهایی یابی.

(ترجمه)

۳۵- گزینه «۳»

(نوبت امساک)

«رحم کن»: ارحم، ارحمی (رد گزینه ۲) / «کسی که در زمین است»: من فی الأرض / «کسی که در آسمان است»: من فی السماء (رد گزینه ۴) / «تا به تو رحم کند»: يَرْحَمُكَ، حَتَّى يَرْحَمَكَ، لِيَرْحَمَكَ (رد گزینه ۲).

در گزینه «۱» ضمیر مؤنث «ک» با فعل امر مذکر «رحم» تناسب ندارد و در گزینه «۲» هم «یرحم» فعل مجهول است.

(ترجمه)

ترجمه متن:

گرگی از کنار الاغی می‌گذشت که می‌گفت: علف قرمز است، علف قرمز است ... گرگ آن را شنید، پس گفت: رنگ علف‌ها، سبز است، چطور نمی‌دانی در حالی که تو همیشه در صحرا هستی. الاغ دوباره تکرار می‌کرد که علف قرمز است! ... و گرگ تأکید می‌کرد که بی‌شک آن سبز است. بحث شدت گرفت و منجر به مشاجره شد تا این که ناگهان شیری حاضر شد. آن دو از او خواستند که بینشان داوری کند. شیر به حرفشان گوش داد، سپس این حکم صادر شد: الاغ می‌تواند برود و به کارش مشغول شود، و گرگ باید در قفس زندانی باشد. گرگ زندانی بسیار تعجب کرد در حالی که می‌گفت: قطعاً علف سبز است و تو می‌دانی، پس این حکم چیست ای حضرت سلطان؟! چرا مرا زندانی کردی در حالی که من حرف حق را می‌گویم. جواب شیر این چنین بود: زیرا تو با الاغ بحث کردی!

۳۶- گزینه «۳»

(مسین رضایی)

«فقط گرگ محکوم به حبس شده» صحیح است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «شیر به نفع کسی که حق را می‌گفت، حکم کرد!» (نادرست)

گزینه «۲»: «فقط الاغ به حبس محکوم شده!» (نادرست)

گزینه «۴»: «علیه کسی که حق را می‌گفت، حکمی صادر نشد!» (نادرست)

(درک مطلب)

۳۷- گزینه «۴»

(مسین رضایی)

شیر می‌دانست که ...

بحث گرگ مورد قبول است! (نادرست)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «نظر گرگ درست است!» (درست)

گزینه «۲»: «نظر الاغ درست نیست!» (درست)

گزینه «۳»: «بحث الاغ طبیعی است!» (درست)

(درک مطلب)

۳۸- گزینه «۲»

(مسین رضایی)

گزینه‌های دیگر هماهنگ با هم، دارای مفهوم «سکوت در جواب کلام بی‌هوده» هستند، اما گزینه «۲» مفهومی متفاوت دارد. (گزینه «۲» به جایگاه رفیع و تأثیر زیاد مردم بی‌آزار اشاره دارد.)

(درک مطلب)

۳۹- گزینه «۴»

(مسین رضایی)

مناسب‌ترین عنوان برای این متن، «نصیحت و پند» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: نادانی الاغ

گزینه «۲»: بحث بی‌هوده

گزینه «۳»: گناه گرگ

(درک مطلب)

۴۰- گزینه «۴»

(مسین رضایی)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «فاعله محذوف» نادرست است. فعل «اسْتَمَعَ» معلوم است، نه مجهول، پس فاعل آن محذوف نیست.

گزینه «۲»: «مصدره علی وزن: استفعال» نادرست است. فعل «اسْتَمَعَ» از باب افتعال است و مصدر آن بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید.

گزینه «۳»: «فاعله: «الأسد» نادرست است؛ فاعل هیچ‌گاه قبل از فعل نمی‌آید.

(تحلیل صرفی و ممل اعرابی)

۴۱- گزینه «۲»

(مسین رضایی)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «مجهول، نائب فاعل» نادرست است. «تَعَجَّبَ» فعل ماضی معلوم است.

گزینه «۳»: «مضارع، له حرفان أصليّان و حرف زائد واحد» نادرست است. «تَعَجَّبَ» بر وزن «تَفَعَّلَ» فعل ماضی از باب تَفَعَّلَ و دارای سه حرف اصلی و دو حرف زائد است.

گزینه «۴»: «حروفه الأصلية: ع ج ب» نادرست است. سه حرف اصلی آن «ع ج ب» است.

(تحلیل صرفی و ممل اعرابی)

۴۲- گزینه «۱»

(مسین رضایی)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: «صفة...» نادرست است. «أخْضَرَ» خبر جمله اسمیه است.

گزینه «۳»: «معرفة، صفة...» نادرست است. «نكرة، خبر» صحیح است.

گزینه «۴»: «اسم تفضيل، معرفة» نادرست است. دَقْتُ کنيد اگرچه «أخْضَرَ» (سبزه) بر وزن «أفعل» است، اما اسم رنگ است و اسم تفضیل نیست.

(تحلیل صرفی و ممل اعرابی)

۴۳- گزینه «۴»

(مرتضى كاتم شيروري)

«امْتَحَنَ» نادرست است زیرا مصدر باب افتعال و بر وزن «اِفْتَعَلَ» است (امْتَحَنَ) / «ليُدْرَسوا» فعل معلوم است، نه مجهول (ليُدْرَسوا).

(ضبط حرکات)

۴۴- گزینه ۱»

(الله مسیح فواہ)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: «مُضَر» اسم قبیله است؛ نباید با «مُضِر» اشتباه گرفت.
گزینه ۳: «مُعَوَّق» به معنای معلول است، نه کسی که به مقصد دیر می‌رسد.
گزینه ۴: «شهادة» به هر نوع مدرکی اطلاق می‌شود، نه فقط مدرک دانشگاهی.
(واژگان)

۴۵- گزینه ۱»

(الله مسیح فواہ)

با توجه به معنای عبارت باید جای خالی اول امری ناپسند و جای خالی دوم امری خوشایند باشد که این نکته فقط در گزینه ۱ رعایت شده است.
ترجمه عبارت چنین است: «چقدر دوری دوست زندگی‌ام را تلخ می‌کند و خوشم نمی‌آید مگر از وصف زیبایی او!»
(مفعول)

۴۶- گزینه ۳»

(سید ممبر علی مرتضوی)

در گزینه ۳، «تشجیع» یک اسم و مضاف است و «من» مضاف‌الیه آن است.
ترجمه عبارت: بهترین کارها همان تشویق کسی است که اهدافش را در زندگی فراموش می‌کند!

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «مَن» مفعول برای فعل «لا یسب» است.
گزینه ۲: «خیر» مبتدا، «الناس» مضاف‌الیه آن و «مَن» خبر است.
گزینه ۴: «مَن» مفعول برای فعل «یتذکرون» است.
(قواعد اسم)

۴۷- گزینه ۳»

(مرتضی کاظم شیروری)

در جملات شرطیه، ادات شرط «مَن» بیشتر با مفرد غایب می‌آید، و بهتر آن است که عبارت را ترجمه و بررسی کنید، بنابراین ترجمه گزینه ۳ نادرست است: «هر که دوست داری که دست‌یابی به موفقیت در زندگی، پس با جدیت تلاش خواهی کرد».
نکته: هرگاه جواب شرط فعل امر، نهی، مستقبل و جمله اسمیه باشد، به همراه «ف» می‌آید.

(انواع جملات)

۴۸- گزینه ۲»

(کاظم غلامی)

در این گزینه «الطَّالِب» جمع «الطَّالِب» بوده و اسم فاعل است و «الآخرین» هم که اسم تفضیل است، صفت آن به حساب می‌آید.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «أصغر طائر» ترکیب اضافی است، نه وصفی.
گزینه ۳: «أحب»، «أنفع» و «أحسن» هر سه اسم تفضیل هستند، ولی اسم فاعلی در این عبارت وجود ندارد.
گزینه ۴: «خیر الرأحمین» ترکیب اضافی است، نه وصفی.
(قواعد اسم)

۴۹- گزینه ۲»

(روح‌الله اصغری)

می‌دانیم که دو صیغه از صیغه‌های فعل مضارع مبنی هستند و آخرشان هیچ وقت تغییر نمی‌کند؛ صیغه‌ها للغاتبات و صیغه‌ها للمخاطبات.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «لا تَسْكُنْ» فعل مضارع، صیغه‌ها للغاتبات است (از ریشه «س ک ن») و معرب است.
گزینه ۳: «تَعَلَّمَتْ» فعل ماضی است و نه مضارع.
گزینه ۴: «يَسْتَعِدُّ» فعل مضارع، از صیغه‌ها للغاتبات است.
(قواعد فعل)

۵۰- گزینه ۳»

(کاظم غلامی)

در این گزینه مستثنی‌منه ذکر نشده و «ألا» معنای «فقط» دارد؛ پس اسلوب حصر داریم: «درجه رزمندگان در راه خداوند تنها روز قیامت درک می‌شود!»

تشریح گزینه‌های دیگر

در سایر گزینه‌ها مستثنی‌منه در جمله دیده می‌شود:

گزینه ۱: «أجرأ»

گزینه ۲: «الأوعية»

گزینه ۴: «ابنه»

(استثناء)

فرهنگ و معارف اسلامی

۵۱- گزینه ۳»

(مهمبر رضایی بقا)

قرآن کریم در مورد کسانی که «سرمایه وجودی (عمر) خود، را از بین برده‌اند، می‌فرماید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» «در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که خودشان را دچار زیان کرده‌اند.» زیرا اگر انسان هدف حقیقی خود را نشناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است.

(دین و زندگی ۲، صفحه ۷)

۵۲- گزینه ۴»

(مرتضی مفسر کبیر)

در مرحله دوم قیامت وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر شوند (تمهید، آماده کردن) و «زنده شدن همه انسان‌ها» مربوط به مرحله دوم قیامت است و عبارت قرآنی «یعلمون ما تفعلون» می‌داند آنچه را که انجام می‌دهید، مربوط به فرشتگان الهی است که در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آن‌ها بوده‌اند و تمامی اعمال آن‌ها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

(دین و زندگی ۱، صفحه‌های ۷۳ و ۷۵)

۵۳- گزینه ۴»

(سپهراری هاشمی)

در کلمه توحید «لا اله الا الله» ابتدا اشاره به نفی هر معبود (تبری) شده است و در ادامه اشاره به اثبات و پذیرش خداوند (تولی) شده است.

در آیه شریفه «الم اعهد إليکم یا بنی آدم...» نیز ابتدا اشاره به عدم پرستش شیطان به عنوان دشمن آشکار انسان شده است. «ان لا تعبدوا الشیطان اِنَّه لکم عدو مبین» و سپس به پرستش خدای یگانه به عنوان تنها راه هدایت اشاره شده است. «و ان عبدونی هذا صراط مستقیم»

(دین و زندگی ۱، صفحه ۱۲۱ و دین و زندگی ۳، صفحه ۴۳)

۵۴- گزینه ۱»

(ابوالفضل امیرزاده)

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند (علت):

(۱) بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت.

(۲) و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید.

(۳) و به آنان در قیامت نمی‌نگرد.

(۴) و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد.

(۵) و عذاب دردناکی برای آن‌هاست.

ترجمه آیه ۲۰۰ سوره بقره: «بعضی از مردم می‌گویند: خداوند! ما در دنیا نیکی عطا کن ولی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند.»

(دین و زندگی ۱، صفحه‌های ۷ و ۹۸)

۵۵- گزینه ۱»

(مفسر بیاتی)

امام علی (ع) می‌فرماید: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند اما خداوند به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد.»

خداوند با هر امر خیر یا شری ما را می‌آزماید، بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت و ... زندگی هر انسانی صحنه انواع امتحان‌ها و آزمایش‌هاست، هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود.

(دین و زندگی ۲، صفحه ۱۵۰، دین و زندگی ۳، صفحه‌های ۶۷ و ۷۰)

۵۶- گزینه ۳»

(مفسر بیاتی)

نماز مقبول ← سبب دوری از گناه و منکر شود ← ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر
علل و فلسفه حجاب ← ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین ← و کان الله غفوراً رحیم
بهترین توشه مسافر کوی تو ← عزم و اراده ← و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور

(دین و زندگی ۱، صفحه‌های ۹۳، ۹۷، ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۵۴)

۵۷- گزینه ۳»

(عباس سیربشتری)

اگر فردی به درجه توحید عملی برسد قطعاً می‌تواند تویی و تبری داشته باشد و حدیث «التاس نیام ...» اشاره به عالم برزخ دارد که انسان بعد از مرگ متوجه می‌شود، وارد عالم جدیدی شده است.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۳۲ و دین و زندگی ۱، صفحه‌های ۳۹ و ۱۲۱)

۵۸- گزینه ۱»

(مفسر رضایی‌بغا)

خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را «خاتم النبیین» معرفی می‌کند: «و لکن رسول الله و خاتم النبیین». بلکه [او] فرستاده خدا و پایان‌بخش پیامبران است. پیامبر اکرم (ص) نیز در اجتماعات مختلف، خود را به‌عنوان آخرین پیامبر الهی معرفی می‌کرد تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند، یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست.

(دین و زندگی ۲، صفحه ۲۸)

۵۹- گزینه ۲»

(مفسر رضایی‌بغا)

پیامبری حضرت موسی (ع) در دورانی بود که سحر و جادو رواج داشت. بنابراین حضرت موسی (ع) باید عملی انجام می‌داد که فراتر از کار ساحران و جادوگران باشد، تا مردم بدانند که ساحران در برابر قدرت خداوند، ناتوان و ضعیف‌اند.

(دین و زندگی ۲، صفحه ۳۱)

۶۰- گزینه ۲»

(سیرهای هاشمی)

آنجا که قرآن کریم اقدام به اثبات نهایت عجز شکاکان می‌کند از ایشان می‌خواهد که تنها یک سوره مانند قرآن را بیاورند. چرا که پیش از آن پیشنهاد آوردن کتابی مانند قرآن یا ده سوره از این کتاب را داده بود.

آیه شریفه «قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ بگو اگر می‌توانید سوره‌ای همانند آن را بیاورید» بیانگر این تحدی و مبارزه‌طلبی است.

در ابتدای این آیه، اشاره به اتهام شکاکان به شخص پیامبر (ص) شده است که ایشان را افترازننده به خدا می‌خواندند. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَا: آیا می‌گویند او به دروغ آن [قرآن] را به خدا نسبت داده است؟»

(دین و زندگی ۲، صفحه ۳۲)

۶۱- گزینه ۴»

(مفسر رضایی‌بغا)

آن‌گاه که در چکاچک شمشیرها و نیزه‌ها و در لابه‌لای نعره‌ها و فریادهای رزم‌آوران جنگ جمل، مردمی دچار شک و تردید شده بودند که کدام گروه، حق و کدام گروه، باطل است، به هنگام سؤال از حضرت علی (ع)، آن حضرت پاسخ فرمود: «کار را واژگون کرده‌ای! می‌خواهی حق و باطل را به وسیله شخصیت‌ها بشناسی، در حالی که شخصیت‌ها هستند که باید با مقیاس حق، سنجیده شوند. ابتدا حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را شناسایی کنی.»

(دین و زندگی ۲، صفحه ۱۰۲)

۶۲- گزینه ۲»

(مفسر رضایی‌بغا)

وظیفه ما شیعیان این است که به‌گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم و بدانیم که شیعه بودن تنها به اسم نیست؛ بلکه اسم باید با عمل صالح همراه باشد تا پیرو حقیقی آنان شویم. امام صادق (ع) در این باره به شیعیان خود فرمودند: «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا غلینا شیئاً». «مایه زینت ما باشید، نه مایه زشتی ما.»

(دین و زندگی ۲، صفحه ۱۴۳)

۶۳- گزینه ۴»

(سیرهای هاشمی)

امامان بزرگوار از دو جهت با حاکمان زمان خود مقابله می‌نمودند. یکی از آن‌ها این بود که حاکمان غاصب قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند. در نتیجه مقابله با آنان با عمل به اصل امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از حقوق مردم ضروری می‌شد. مصداقی از امر به معروف در آیه شریفه «و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ: و یکدیگر را به حق و صبر سفارش کردند» ذکر شده است.

خشونت و ستمگری حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و آزار و اذیت پیروان و شیعیان سبب شد که امامان در برابر این حکام، شیوه درستی از مبارزه و متناسب با رفتار آن‌ها برگزینند و بخشی از مبارزات خود را در قالب «تقیه» پیش ببرند، یعنی آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت داشت مخفی می‌کردند تا در عین ضربه زدن به دشمن، کم‌تر ضربه بخورند.

(دین و زندگی ۲، صفحه‌های ۸، ۱۳۵ و ۱۳۶)

۶۴- گزینه ۴»

(سیرهای هاشمی)

قرآن کریم در آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ خَرَفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ». «از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای آنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی [عبادت و بندگی] می‌کند. پس اگر خیری به او رسد دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت اهر دو، زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است». اقدام به معرفی افرادی می‌کند که خدا را تنها در آسایش بندگی می‌کنند و به هنگام سختی از او روی برمی‌گردانند. در پایان آیه ایشان را مضمول عبارت «الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» می‌داند.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۳۴)

۶۵- گزینه ۳»

(مرتضی مسنی‌کبیر)

کسی که گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان / هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا، چه سود این موضوع به «افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند» از راه‌های تقویت اخلاص اشاره دارد.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۴۶)

۶۶- گزینه ۳»

(علیرضا ذوالفقاری زمل)

برداشت ناجای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم، در واقع او تصور می‌کرد قضا و قدر الهی، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند. این نوع تفکر در بیت زیبای «چوب حق و پشت و پهلو، آن او / من غلام و آلت فرمان او» از مولانا، در ماجرای باغبان و دزد باغ، از زبان باغبان برای این‌که دزد متوجه اشتباه خود شود، بیان می‌شود.

(دین و زندگی ۳، صفحه‌های ۵۵ و ۵۹)

۶۷- گزینه ۱»

(سیدهای هاشمی)

در آیه شریفه «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَةَ كَأَنَّ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» به زنا نزدیک نشوید قطعاً آن عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است. اشاره به عملی شده است که اولاً کاری بسیار زشت است و ثانیاً فرجام آن قرارگیری در مسیری ناپسند است.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۱۱۲)

۶۸- گزینه ۴»

(سیرامسان هنری)

حیله تسویف بیشتر برای همراه کردن جوانان به کار می‌رود و فرد گناهارک دائماً به خود می‌گوید به زودی توبه می‌کنم و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند تا این که میل به توبه در او خاموش می‌شود.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۹۹)

۶۹- گزینه ۱»

(غبرور نژادزینف - تبریز)

خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار داده: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول...» که در آیه مربوط به روزه نیز مؤمنان را خطاب قرار داده و روزه را بر آن‌ها واجب کرده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم».

(دین و زندگی ۱ و ۲، ترکیبی)

۷۰- گزینه ۲»

(ممد رضا یق)

براساس آیه «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، همراه (مزوج) شدن ایمان به خدا و آخرت با عمل صالح، پاداش الهی، نترسیدن (شجاعت) و اندوهگین نبودن (نشاط و شادابی) را به دنبال دارد.

ایمان به خدا و آخرت، بیانگر معیارهای توحیدمحوری و معادباوری است.

(دین و زندگی ۳، صفحه ۱۲۳)

۷۱- گزینه ۳»

(سیدهای هاشمی)

وجوب کفایی، واجبی است که اگر تعداد معینی از مردم آن را انجام دهند، دیگر لازم نیست بقیه مردم به انجام آن مبادرت ورزند. قرآن کریم در آیه شریفه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» و نمی‌شود که مؤمنان همگی برای آموزش دین، اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آن‌ها اعزام نشوند تا دانش دین را (به‌طور عمیق) بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آن‌ها را هشدار دهند، باشد که آنان از کيفر الهی بترسند» اشاره به وجوب کفایی کوچ کردن عده‌ای از مردم (نه همه آن‌ها) برای کسب علم دین با هدف انذار مردم نموده است.

(دین و زندگی ۲، صفحه ۱۷۱)

۷۲- گزینه ۴»

(عباس سیدشیرازی)

انس با همسر: اگر فردی از راه‌های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی‌قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود.

رشد اخلاقی و معنوی: پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده از همان ابتدا زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند و مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند.

(دین و زندگی ۲، صفحه‌های ۲۱۵ و ۲۱۶)

۷۳- گزینه ۴»

(سیرامسان هنری)

تسلیم و بندگی خدا ← عزت نفس

عزت نفس ← حفظ پیمان با خدا و باقی ماندن به عزم و تصمیم

(دین و زندگی ۲، صفحه ۲۰۲)

۷۴- گزینه ۳»

(محبوبه ایتسام)

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیازمندی ← افزایش بندگی ←

انتم الفقراء (دین و زندگی ۳، صفحه ۱۰)

۷۵- گزینه ۳»

(مرتضی ممسنی کبیر)

ثمره رعایت و عمل به فرمان پیامبر (ص) که می‌فرماید: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند» در حدیث علوی: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَى غُيُوبِهِ، وَأَحَاطَ بِذُنُوبِهِ، وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ، وَ أَصْلَحَ الْغُيُوبَ» هر کس به حساب خویش برسد به عیب‌های خود آگاه می‌شود و به گناهانش احاطه پیدا می‌کند و گناهان را جبران می‌کند و عیب‌ها را اصلاح می‌کند.» بیان گردیده است.

(دین و زندگی ۱، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

زبان انگلیسی

۷۶- گزینه ۲»

(رحمت‌الله استیری)

ترجمه جمله: «گزارش پیش‌بینی می‌کند که یکی از نتایج منفی بازنشستگی زودرس داشتن مشکلات مالی زیاد در آینده‌ای نزدیک است، به‌ویژه اگر شما در شهری گران سکونت دارید.»

نکته مهم درسی

به‌کارگیری زمان آینده ساده در جای خالی، جمله را به‌لحاظ معنایی ناقص می‌کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴). دقت کنید که فعل اصلی جمله "is" است و "having" اسم مصدری است که بعد از آن به کار رفته است. به ساختار "money problems" توجه کنید. اسمی که در این ساختار قرار است از نظر کمتی مورد وصف قرار بگیرد "problems" به معنای «مشکلات» است نه "money" به معنای «مالی». در نتیجه، با توجه به قابل شمارش بودن "problems" باید از صفت کمتی "many" به معنای «زیاد» استفاده کرد.

(گرامر)

۷۷- گزینه ۴»

(عمران نوری)

ترجمه جمله: «آن بازار تنوعی شگفت‌انگیز از ماهی‌ها دارد که برخی از آن‌ها کمیاب و بی‌نهایت گران و برخی معمولی و با قیمت معقول هستند.»

نکته مهم درسی

واژه "variety" با یک صفت ساده و البته قبل از صفت با حرف تعریف "an" توصیف می‌شود.

گزینه ۱: «۱» صفت تفضیلی است و برای این بافت نامناسب است.

گزینه ۲: «۲» صفت عالی است و برای این بافت نامناسب است.

گزینه ۳: «۳» با ترکیب "as as" به کار رفته و برای این بافت نامناسب است.

(گرامر)

۷۸- گزینه ۴»

(مسن رومی)

ترجمه جمله: «خانه‌ای که موتزارت در آن متولد شده اکنون موزه است. آن یکی از پربازدیدترین موزه‌های اتریش است.»

نکته مهم درسی

در صورتی که فعل جمله‌واره وصفی حرف اضافه داشته باشد، می‌توانیم این حرف اضافه را قبل از "which" بیاوریم. استفاده از حرف اضافه قبل از "that" درست نیست (دلیل نادرستی گزینه ۲). اگر اسم مرجع ضمیر، اسم مکان باشد، به جای ترکیب حرف اضافه و ضمیر موصولی از "where" هم می‌توانیم استفاده کنیم، منتها در گزینه ۱ «بایستی حرف اضافه و ضمیر حذف می‌شد. استفاده از "it" در گزینه‌های ۱ و ۳» به دلیل تکرار اسم به شکل ضمیر نادرست است.

The house **in which** Mozart was born is now a museum. =
The house **where** Mozart was born is now a museum.

(گرامر)

۷۹- گزینه ۲»

(مسن رومی)

ترجمه جمله: «برای این که وقت کمتری منتظر بمانید، به شما پیشنهاد می‌شود لطفاً در صورت امکان، روز دیگری را برای مراجعه به دفترمان انتخاب کنید.»

نکته مهم درسی

به کارگیری ضمیر موصولی جمله را به لحاظ معنایی ناقص می‌کند (دلیل رد گزینه ۴). با توجه به این که "you" که در جایگاه مبتدای جمله قرار گرفته است، مفعول جمله است؛ فعل باید به شکل مجهول بیاید. در ضمن گزینه ۱ نیز فاقد فاعل است.

(گرامر)

۸۰- گزینه ۱»

(عقیل ممدری روش)

ترجمه جمله: «رنگ قرمز می‌تواند باعث ایجاد احساس هیجان در افراد شود. زرد می‌تواند انرژی را افزایش دهد و رنگ‌های تیره تر، مانند آبی و سبز، آرامبخش هستند و می‌توانند به آرامش مردم کمک کنند.»

- (۱) آرام شدن (۲) وقت گذراندن
(۳) فهمیدن (۴) دور زدن

(واژگان)

۸۱- گزینه ۴»

(رحمت‌الله استیری)

ترجمه جمله: «معلم به من توصیه کرد که از ساختارهای گرامری با پیچیدگی کمتری در انشایم استفاده کنم تا آن را برای خواننده معمولی کاملاً قابل فهم کنم.»

- (۱) آسوده، راحت (۲) مهمان‌نواز
(۳) در دسترس، موجود (۴) قابل فهم

(واژگان)

۸۲- گزینه ۴»

(مسن رومی)

ترجمه جمله: «عمق عشق پدر یا مادر معمولاً توسط فرزندان آن‌ها تا زمانی که خودشان والدین نباشند، قابل درک نیست.»

- (۱) پیشنهاد کردن، معرفی کردن (۲) گردآوری کردن، تألیف کردن
(۳) تولید کردن، ایجاد کردن (۴) درک کردن، قدر دانستن

(واژگان)

۸۳- گزینه ۳»

(مسن رومی)

ترجمه جمله: «این بیماری بین مردان بیشتر از ۵۰ سال شایع است و اگر به موقع شناسایی شود، کاملاً قابل درمان است.»

- (۱) با امیدواری (۲) از لحاظ عاطفی
(۳) عمدتاً، بیشتر (۴) با فصاحت، روان

(واژگان)

۸۴- گزینه ۲»

(عمران نوری)

ترجمه جمله: «علی‌رغم همه تلاش‌های انجام شده برای جلب توجه به منابع انرژی پاک، صنعت برق مقادیر زیادی از سوخت‌های فسیلی را مصرف می‌کند.»

- (۱) تقاضا کردن (۲) مصرف کردن
(۳) آسیب رساندن (۴) مبادله کردن

(واژگان)

۸۵- گزینه ۳»

(مسن رومی)

ترجمه جمله: «در مورد این که آیا راهکارهای اشتغال‌زایی دولت مؤثر خواهد بود و یا این که بیکاری دوباره افزایش خواهد یافت، تردید زیادی وجود دارد.»

- (۱) تنوع، گوناگونی (۲) آشنایی، شناخت
(۳) تردید، عدم ثبات (۴) مسئولیت

(واژگان)

۸۶- گزینه ۱»

(عقیل ممدری روش)

ترجمه جمله: «وقتی ترافیک سنگین در مسیرهای کشتیرانی به وجود می‌آید، حفظ فاصله ایمن بین کشتی‌ها به اندازه دانستن چگونگی رسیدن به مقصد مهم است.»

- (۱) مقصد (۲) دما
(۳) محصول (۴) ترکیب

(واژگان)

۸۷- گزینه ۱»

(رحمت‌الله استیری)

ترجمه جمله: «مرد جوان وقتی برای اولین بار از کشور باستانی ما دیدن کرد، به شدت به فرهنگ ایرانی علاقه‌مند شد.»

- (۱) ایجاد کردن، گسترش دادن (۲) اختراع کردن
(۳) جذب کردن، جلب کردن (۴) خلق کردن

نکته مهم درسی

دقت کنید که هر سه گزینه ۱، ۳ و ۴ به همراه "interest" به معنای «علاقه» به کار می‌روند، اما از میان این گزینه‌ها تنها "develop an interest" به معنای «علاقه‌مند شدن» است و گزینه‌های ۳ و ۴ به معنای «علاقه‌مند کردن» است که با توجه به مفهوم جمله نادرست است.

(واژگان)

ترجمه متن کلوزتست:

یک شرکت نوآور به نام "Better Place" قصد دارد اتومبیل‌های الکتریکی را به گزینه‌ای برای همه رانندگان تبدیل کند. این شرکت می‌خواهد شاهد جایگزینی وسایل نقلیه موجود با وسایل نقلیه الکتریکی باشد که به گفته وی مزایای زیادی به همراه دارد. اولاً، آن‌ها می‌توانند توسط انرژی تجدیدپذیر که اصلاً آلودگی ایجاد نمی‌کند تأمین نیرو شوند. به علاوه، موتورهای الکتریکی کارآمدتر هستند و بیش از نود درصد نیرو را به حرکت تبدیل می‌کنند، در حالی که بازده موتورهای دیزلی یا بنزینی کم تر از بیست درصد است. "Better Place" برای دستیابی به هدف خود قصد دارد از فناوری موجود استفاده کند.

۸۸- گزینه ۴»

(نوبر مبلقی)

نکته مهم درسی

با توجه به اسم قبل از نقطه‌چین که غیرانسان است، نیاز به ضمیر موصولی برای غیرانسان داریم. گزینه‌های ۱ و ۲ ضمائر موصولی مورد استفاده برای انسان هستند و گزینه ۳ نیز به خاطر داشتن فاعل اضافی رد می‌شود.

(کلوزتست)

۸۹- گزینه «۱»

(نویز مبلغی)

نکته مهم درسی

جمله دارای ساختار مجهولی است و تنها گزینه مجهول گزینه «۱» است. ضمیر فاعلی "they" به ماشین‌های الکتریکی اشاره دارد که نمی‌تواند انجام‌دهنده فعل داخل گزینه‌ها باشد.

(کلوز تست)

۹۰- گزینه «۳»

(نویز مبلغی)

- (۱) یادآوری کردن
(۲) خلق کردن
(۳) تبدیل کردن
(۴) مرتب کردن، چیدن

(کلوز تست)

۹۱- گزینه «۳»

(نویز مبلغی)

نکته مهم درسی

با توجه به این که در جمله، کارایی موتورهای الکتریکی با موتورهای بنزینی و دیزلی مقایسه شده است، نیاز به صفت تفضیلی (برتر) داریم. گزینه‌های «۲» و «۴» از لحاظ معنایی صحیح نیستند.

(کلوز تست)

۹۲- گزینه «۲»

(نویز مبلغی)

نکته مهم درسی

برای بیان هدف و منظور از مصدر با "to" استفاده می‌کنیم.

(کلوز تست)

ترجمه متن درک مطلب ۱:

نحوه یادگیری شمارش موضوع بسیاری از مطالعات علمی بوده است. اگرچه ما از کودکی شمردن را یاد می‌گیریم، اما آن کاملاً پیچیده است. ابتدا، کودکان باید نام اعداد را به زبان‌های خاص خود بیاموزند. آنها اعداد را یاد می‌گیرند اما اغلب ترتیب را اشتباه می‌گیرند. سرانجام، با تصحیح زیاد والدین، کودکان شمارش اعداد تا بیست را یاد می‌گیرند، اما این نشان‌دهنده عدم توانایی در شمارش نیست. مرحله بعدی، یادگیری این است که هر عدد می‌تواند با یک شیء واقعی مطابقت داشته باشد یا مربوط به آن باشد. کامل شدن این ایده زمان‌بر است. اگر کودکان کم‌سن و سالی را که سعی در شمارش تعدادی اسباب‌بازی دارند مشاهده کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها به خوبی شروع به شمارش می‌کنند، اما پس از شمارش تعداد کمی از اسباب‌بازی‌ها، نام اعداد را می‌گویند بدون این که تعداد آن اعداد با اسباب‌بازی‌ها مطابقت داشته باشد. مسلط شدن بر توانایی تطبیق یک عدد با یک شیء بعدها و در فرایند رشد کودک انجام می‌پذیرد. مرحله آخر در یادگیری شمارش زمانی حاصل می‌شود که کودک یاد بگیرد می‌توان نام عددی آخرین شیء در یک ردیف را برای آن ردیف به کار برد. به عبارت دیگر، اگر گروهی از دوازده شیئی وجود داشته باشد، عدد دوازده مربوط به شیء آخر نیست بلکه متعلق به کل مجموعه اشیا یا گروه دوازده‌گانه است. این تمایز گام مهمی در درک کودک از ریاضیات پایه است.

۹۳- گزینه «۳»

(تیمور، رممتی‌کله‌سرایلی)

ترجمه جمله: «بهترین عنوان برای متن چیست؟»
«مراحل مختلف در یادگیری شمارش»

(درک مطلب)

۹۴- گزینه «۲»

(تیمور، رممتی‌کله‌سرایلی)

ترجمه جمله: «مرجع ضمیر "their" در پاراگراف «۱» کودکان (children) است.»

(درک مطلب)

۹۵- گزینه «۴»

(تیمور، رممتی‌کله‌سرایلی)

ترجمه جمله: «تزدیک‌ترین واژه از لحاظ معنایی به کلمه "distinction" در پاراگراف «۳» «تفاوت، تمایز» (difference) است.»

(درک مطلب)

۹۶- گزینه «۱»

(تیمور، رممتی‌کله‌سرایلی)

ترجمه جمله: «کدام‌یک از گزینه‌های زیر را می‌توان از متن استنباط کرد؟»
«یادگیری شمارش یک توانایی است که به تدریج و هم‌زمان با رشد کودکان حاصل می‌شود.»

(درک مطلب)

ترجمه متن درک مطلب ۲:

قطعاً آن دسته از دبیرانی که نسبت به [نیازهای] تک تک دانش‌آموزان دقت بیشتری دارند، مؤثرترند. آندرسون و آدامز اشاره می‌کنند که برخی از دانش‌آموزان، «فراگیران وابسته به میدان» هستند، بدین معنی که آن‌ها تقریباً به همان اندازه به شخصیت و سبک معلم توجه دارند که به محتوای دوره‌ای که در حال ارائه شدن است توجه می‌کنند. عواملی که احتمالاً در رابطه با سبک دبیر مهم محسوب می‌شوند عبارتند از: حامی و مشوق بودن، بازخورد فراوان دادن، یک الگوی خوب بودن، به طور مقتضی خودمانی بودن و ایجاد انگیزه برای بحث. من قویاً معتقدم که این ویژگی‌ها به طور دقیق [در کلاس‌های] آنلاین درک می‌شوند. روش‌های زیادی وجود دارد که یک معلم بتواند متوجه و مراقب (تمام نیازهای) دانش‌آموزان باشد و این به نقشی که یک معلم ممکن است ایفا کند، بستگی خواهد داشت. مک کیچی (۱۹۷۸)، شش نقش تدریسی برای معلمان تعیین می‌کند که همه آن‌ها می‌توانند در تدریس آنلاین به کار برده شوند. این نقش‌ها می‌توانند برای اهداف مختلف و در مواقع مختلف در طول ترم به کار برده شوند. برای مثال، دبیر می‌تواند به شکل زیر دیده شود:

یک تسهیل‌گر که دانش‌آموزان را تشویق به مشارکت فعال در بحث‌ها می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا آموزش را با هدف مشخص سرعت دادن به روند آموزش، به‌عنوان [آفریننده] معنادار و مرتبط ببینند. دبیر نه تنها باید از داشتن یک نگرش خودپسندانه نسبت به دانش‌آموزان خودداری کند، بلکه باید بتواند با آن‌ها ارتباط مؤثر برقرار کند و با گوش کردن به [حرف‌های] آن‌ها و یادگیری از آن‌ها، وضعیت را همانگونه‌ای که آن‌ها می‌بینند، ببیند.

۹۷- گزینه «۳»

(مهمر طاهری)

ترجمه جمله: «کدام‌یک از سؤالات زیر، موضوع اصلی متن است؟»
«چه نوع دبیرانی در کلاس‌های آنلاین مؤثرترند؟»

(درک مطلب)

۹۸- گزینه «۳»

(مهمر طاهری)

ترجمه جمله: «کلمه "they" در پاراگراف ۱ به «دانش‌آموزان» اشاره می‌کند.»

(درک مطلب)

۹۹- گزینه «۱»

(مهمر طاهری)

ترجمه جمله: «کدام‌یک از موارد زیر به بهترین نحو نگرش نویسنده درباره کلاس‌های آنلاین و نقش‌هایی که دبیران می‌توانند در آن‌ها ایفا کنند را توصیف می‌کند؟»
«امیدوار»

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینه «۲»

(مهمر طاهری)

ترجمه جمله: «از پاراگراف دوم فهمیده می‌شود که اگر دانش‌آموزان [محتوای] آموزش را معنی‌دار و مرتبط ببینند قادر خواهند بود که چیزها را سریع‌تر یاد بگیرند.»

(درک مطلب)



ریاضی

۱۰۱- گزینه «۱»

(علیرضا عبیدی)

$$\begin{aligned} \sqrt{x} + \frac{1}{\sqrt{x}} = A &\xrightarrow{\text{توان } 2} (\sqrt{x} + \frac{1}{\sqrt{x}})^2 = A^2 \\ \xrightarrow{\text{اتحاد مربع}} x + \frac{1}{x} + 2\sqrt{x} \times \frac{1}{\sqrt{x}} = A^2 &\Rightarrow A^2 = 20 \\ \xrightarrow{A > 0} A = \sqrt{20} = \sqrt{4 \times 5} = 2\sqrt{5} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، عبارات‌های هپیری، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۶)

۱۰۲- گزینه «۴»

(مهمرب بگیری)

ابتدا در سمت چپ تساوی، مخرج مشترک می‌گیریم:

$$\begin{aligned} \frac{(3x+6)(x-1) + x(x+1)}{(x+1)(x-1)} &= 6 \\ \frac{3x^2 - 3x + 6x - 6 + x^2 + x}{x^2 - 1} &= 6 \\ \Rightarrow 4x^2 + 4x - 6 = 6x^2 - 6 &\Rightarrow 2x^2 - 4x = 0 \\ \Rightarrow 2x(x-2) = 0 &\Rightarrow \begin{cases} x=0 & \text{قق} \\ x=2 & \text{قق} \end{cases} \\ \text{حاصل ضرب جواب‌ها} &= 0 \times 2 = 0 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه درجه ۳، صفحه‌های ۳۵ تا ۵۴)

۱۰۳- گزینه «۴»

(مهمرب بگیری)

با توجه به فرم استاندارد تابع خطی $f(x)$ داریم:

$$\begin{aligned} f(x) &= ax + b \\ f(2) = 4 &\Rightarrow 2a + b = 4 \\ f(4) = 2 &\Rightarrow 4a + b = 2 \\ \Rightarrow \begin{cases} 2a + b = 4 \\ -2a - b = -2 \end{cases} &\Rightarrow -2a = 2 \Rightarrow a = -1 \\ \xrightarrow{\frac{2a+b=4}{a=-1}} b = 6 &\Rightarrow f(x) = -x + 6 \end{aligned}$$

برد تابع $f(x)$ در دامنه گفته شده برابر است با:

$$f(0) = 6, f(7) = -1 \Rightarrow \text{برد تابع} = \{y \in \mathbb{R} \mid -1 \leq y \leq 6\}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۶ تا ۷۸)

۱۰۴- گزینه «۲»

(کوروش داوردی)

ابتدا از رابطه داده شده مقدار a را برحسب x به دست می‌آوریم و در ضابطه تابع قرار می‌دهیم:

$$\begin{aligned} 4x + 2a = 120 &\Rightarrow 2a = 120 - 4x \Rightarrow a = 60 - 2x \\ y = ax = (60 - 2x)x &\Rightarrow y = 60x - 2x^2 \\ x_{\max} = -\frac{b}{2a} = -\frac{60}{2 \times (-2)} &= 15 \\ \text{مقدار } a &\text{ برابر است با:} \\ a = 60 - 2 \times (15) &= 30 \\ \xrightarrow{\text{ماکزیم مقدار } y} y = ax = 30 \times 15 &= 450 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۶)

۱۰۵- گزینه «۲»

(علیرضا عبیدی)

فواصل‌های مانند دمای هوا برحسب سانتی‌گراد	کمّی (قابل اندازه‌گیری)	انواع متغیرهای تصادفی
نسبتی مانند نمره، قد و وزن		
ترتیبی مانند مراحل تحصیل، مراحل زندگی انسان	کیفی (غیرقابل اندازه‌گیری)	
اسمی مانند رنگ چشم، گروه خونی		

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۰)

۱۰۶- گزینه «۴»

(مهمربضا سپوردی)

چون داده‌ها از کوچک به بزرگ مرتب شده‌اند و مد داده‌ها برابر با ۹ می‌باشد، پس داریم:

$$\begin{aligned} 2a + 3 = 9 &\Rightarrow 2a = 6 \Rightarrow a = 3 \\ \text{داده‌ها} \xrightarrow{a=3} 4, 6, 7, 9, 9, 11, 12, 14, 16, 18 \\ Q_1 = 7, Q_3 = 14 \\ Q_2 = \frac{9+11}{2} = 10 \\ \text{دامنه میان چارکی} = IQR = Q_3 - Q_1 = 14 - 7 = 7 \\ 10 + 7 = 17 = \text{دامنه میان چارکی} + \text{میانۀ داده‌ها} = \text{مجموع مورد نظر} \\ \text{(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری و نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۱ تا ۱۰۴ و ۱۲۵ تا ۱۲۸)} \end{aligned}$$

۱۰۷- گزینه «۳»

(علی شهبازی)

تعداد متغیرهای اولیه را n در نظر می‌گیریم، پس تعداد متغیرهای ثانویه $4n$ می‌شود، بنابراین:

$$\begin{aligned} \frac{360^\circ}{n} - \frac{360^\circ}{4n} = 15 &\Rightarrow \frac{360^\circ}{n} - \frac{90^\circ}{n} = 15 \Rightarrow \frac{270^\circ}{n} = 15^\circ \\ n = \frac{270^\circ}{15^\circ} &= 18 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۲۹ تا ۱۳۳)

۱۰۸- گزینه «۱»

(مهمرب بگیری)

چون گزاره شرطی $(p \wedge q) \Rightarrow r$ ارزش نادرست دارد، پس $p \wedge q$ درست و r نادرست است. اگر $(p \wedge q)$ درست باشد، نتیجه می‌گیریم که p درست و q نیز درست است. در نتیجه:

$$\begin{aligned} r \Leftrightarrow \sim p \Leftrightarrow \sim F \Leftrightarrow \sim T \Leftrightarrow F \Leftrightarrow T \\ \sim (r \vee q) \Rightarrow p \Leftrightarrow \sim (F \vee T) \Rightarrow T \\ \Leftrightarrow \sim T \Rightarrow T \Leftrightarrow F \Rightarrow T \Leftrightarrow T \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استلال ریاضی، صفحه‌های ۲ تا ۱۱)

۱۰۹- گزینه «۲»

(مهمربضا سپوردی)

$$\begin{aligned} 2^5 = \text{تعداد ردیف‌های ۵ گزاره} \\ 2^n = \text{تعداد ردیف‌های } n \text{ گزاره} \\ \Rightarrow 2^5 = 4 \times 2^n \Rightarrow 2^5 = 2^2 \times 2^n \Rightarrow 2^5 = 2^{n+2} \\ \Rightarrow n + 2 = 5 \Rightarrow n = 3 \\ \text{(ریاضی و آمار (۲) و (۳)، آشنایی با منطق و استلال ریاضی و الگوهای غیرقطعی،} \\ \text{صفحه‌های ۳ و ۸۶ تا ۹۴)} \end{aligned}$$



۱۱۰- گزینه «۴»

(عمیرضا سپوری)

چون f تابع همانی است، پس ضابطه آن $f(x) = x$ بوده و در نتیجه ضرب x باید برابر یک باشد، یعنی:

$$f(x) = (a-1)x \xrightarrow{\text{همانی}} a-1=1 \Rightarrow a=2$$

$$g(x) = |2x-a|+1 \xrightarrow{a=2} g(x) = |2x-2|+1$$

$$(f+3g)(-1) = f(-1) + 3g(-1) = -1 + 3(|2(-1)-2|+1)$$

$$= -1 + 3(\underbrace{|-4|}_{4} + 1) = -1 + 15 = 14$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ و ۳۰ تا ۵۳)

۱۱۱- گزینه «۱»

(مهمربیرایی)

دامنه تابع $\frac{g}{f}$ را به دست می‌آوریم:

$$f(1) = 2 \times 1^2 - 2 = 0$$

$$D_{\frac{g}{f}} = D_g \cap D_f - \{x | f(x) = 0\} = \left\{-\frac{1}{2}, 0, 1\right\} - \{1\} = \left\{-\frac{1}{2}, 0\right\}$$

حال برد تابع $\frac{g}{f}$ را به دست می‌آوریم:

$$f\left(-\frac{1}{2}\right) = \left[-\frac{1}{2}\right] = -1$$

$$f(0) = 2 \times 0^2 - 2 = -2$$

$$\frac{g}{f} = \left\{\left(-\frac{1}{2}, \frac{3}{-1}\right), \left(0, \frac{4}{-2}\right)\right\} = \left\{\left(-\frac{1}{2}, -3\right), (0, -2)\right\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۳، ۳۹ و ۳۵ تا ۵۳)

۱۱۲- گزینه «۲»

(عمیرضا سپوری)

$100 \times \frac{\text{شاخص بهای کالا در سال ۹۶} - \text{شاخص بهای کالا در سال ۹۹}}{\text{شاخص بهای کالا در سال ۹۶}} = \text{درصد تورم}$

$$50 = \frac{155 - x}{x} \times 100 \Rightarrow 50x = 15500 - 100x$$

$$150x = 15500 \Rightarrow x = \frac{15500}{150} = 103 \frac{2}{3}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

۱۱۳- گزینه «۳»

(علی شعربایی)

$x=10$ بین $x=11$ و $x=8$ قرار دارد.

معادله خط گذرنده از دو نقطه $A(8, 137)$ و $B(11, 161)$ را می‌نویسیم:

$$m = \frac{161 - 137}{11 - 8} = \frac{24}{3} = 8$$

$$y = 8x + b \xrightarrow{(8, 137)} 137 = 8 \times (8) + b \Rightarrow b = 73$$

حالا در معادله خط به دست آمده $x=10$ را قرار می‌دهیم:

$$y = 8x + 73 \xrightarrow{x=10} y = 8 \times (10) + 73 = 153$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۱۴- گزینه «۱»

(مهمربیرایی)

برای آن که عددی زوج باشد، باید رقم یکان آن زوج باشد و برای آن که بزرگتر از ۴۰۰۰ باشد، باید رقم هزار آن بزرگتر یا مساوی ۴ باشد: اگر رقم یکان صفر یا ۲ باشد:

$$\frac{4}{\{4, 5, 6, 7\}} \times \frac{6}{\{4, 5, 6, 7\}} \times \frac{5}{\{4, 5, 6, 7\}} \times \frac{2}{\{0, 2\}} = 240$$

اگر رقم یکان ۴ یا ۶ باشد، رقم یکان هزار از بین ۵، ۷ و یکی از ارقام ۴ یا ۶ انتخاب می‌شود.

$$\frac{3}{\{4, 6\}} \times \frac{6}{\{4, 6\}} \times \frac{5}{\{4, 6\}} \times \frac{2}{\{4, 6\}} = 180$$

$$\xrightarrow{\text{اصل جمع}} 240 + 180 = 420$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۸)

۱۱۵- گزینه «۳»

(عمیرضا سپوری)

حداقل سه مهره سیاه انتخاب شود، یعنی اینکه ۳ مهره سیاه یا ۴ مهره سیاه باشد، پس داریم:

$$n(S) = \binom{12}{4} = \frac{12!}{4! \times 8!} = \frac{12 \times 11 \times 10 \times 9 \times 8!}{4 \times 3 \times 2 \times 1 \times 8!} = 495$$

$$n(A) = \binom{5}{3} \binom{7}{1} + \binom{5}{4} = \frac{5!}{3! \times 2!} \times 7 + \frac{5!}{4! \times 1!}$$

$$= \frac{5 \times 4 \times 3!}{3! \times 2 \times 1} \times 7 + \frac{5 \times 4!}{4! \times 1!} = 10 \times 7 + 5 = 75$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{75}{495} = \frac{5}{33}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

۱۱۶- گزینه «۱»

(نسترن صمدی)

برای الگوی داده شده می‌توان جمله عمومی $a_n = \frac{n(n+1)}{2}$ را نوشت:

$$\Rightarrow \text{جمله دهم دنباله مثلثی} = \frac{10 \times 11}{2} = 55$$

$$\frac{(-1)^n \times n^2}{2} + 5 = 55 \quad \text{حال } t_n \text{ را برابر ۵۵ قرار می‌دهیم:}$$

$$\Rightarrow (-1)^n \times n^2 = 100 \Rightarrow n = 10$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)



۱۱۷- گزینه «۳»

(علیرضا عبری)

با توجه به اطلاعات سؤال داریم:

$$a_n = a_1 + vd = 54$$

$$a_1 + a_2 + \dots + a_n = S_n = 182$$

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d) \Rightarrow S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + nd) = 182$$

$$\frac{x^2}{y} \rightarrow 2a_1 + nd = 52 \xrightarrow{+2} a_1 + nd = 26$$

$$\Rightarrow \begin{cases} a_1 + nd = 26 \\ a_1 + vd = 54 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} -a - nd = -26 \\ a_1 + vd = 54 \end{cases}$$

$$vd = 28 \Rightarrow d = \frac{28}{4} = 7$$

$$a_1 + 7(7) = 54$$

$$a_1 = 54 - 49 = 5$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

۱۱۸- گزینه «۲»

(نسترن صمدی)

برای سه جمله متوالی دنباله هندسی می‌توان نوشت:

$$x^2 = 2 \times 18 = 36 \Rightarrow \begin{cases} x = 6 \text{ ق ق} \\ x = -6 \text{ غ ق ق} \end{cases}$$

$$\Rightarrow r = \frac{a_2}{a_1} \Rightarrow r = \frac{6}{2} = 3$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} = 486 \Rightarrow 2 \times (3)^{n-1} = 486$$

$$(3)^{n-1} = 243 \Rightarrow (3)^{n-1} = 3^5 \Rightarrow n-1 = 5 \Rightarrow n = 6$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

۱۱۹- گزینه «۳»

(علیرضا عبری)

با یکسان کردن پایه‌ها و قوانین در ضرب اعداد تواندار داریم:

$$3^{0/76} \times (3^2)^{0/12} \times (3^3)^{-1/3} = 3^{0/76} \times 3^{0/24} \times 3^{-1} = 3^1 \times \frac{1}{3} = 1$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۱۲۰- گزینه «۳»

(علی شهرابی)

اطلاعات سؤال را می‌نویسیم:

$$r = \frac{10}{100} = 0.1$$

$$t = 2022 - 2019 = 3$$

حالا در فرمول قرار می‌دهیم:

$$f(t) = c(1+r)^t \Rightarrow f(3) = 60,000,000(1+0.1)^3 = 60,000,000 \times 1.331 = 79,860,000$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۳)

اقتصاد

۱۲۱- گزینه «۲»

(فاطمه میانی)

الف) آمارهای اقتصادی در سطوح چهارگانه خرد (یعنی سطح خانوار یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی)، شهری، منطقه‌ای و کلان (ملی و بین‌المللی) ارائه می‌شود.

ب) تولید گونه‌های مختلفی دارد؛ اما در حسابداری ملی همه این گونه‌ها با یک ترازو و یک معیار سنجیده می‌شود؛ پول.

ج) در کشور هنگ‌کنگ حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چند ملیتی وجود دارد. به همین دلیل تفاوت فاحشی بین تولید ناخالص ملی (GNP) و تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور وجود دارد. (در این حالت تولید ناخالص داخلی بیشتر از تولید ناخالص ملی خواهد بود.)

د) اگر عامل مورد توجه در حجم اقتصاد، جمعیت باشد، برای مقایسه بهتر بین دو کشور و یا یک کشور در طول زمان، درآمد (یا تولید) ملی را به جمعیت آن کشور تقسیم می‌کنند و شاخص نسبی با نام شاخص «درآمد سرانه» می‌سازند.

(اقتصاد، آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۴۰، ۴۲، ۴۳ و ۴۶)

۱۲۲- گزینه «۴»

(نسرین بیغری)

الف) تولید دارو از زعفران ← صنعت (نوع دوم تولید)

ب) فعالیت‌های فرهنگی و هنری ← خدمات (محصولات نرم)

پ) تولید نرم‌افزارها ← خدمات (محصولات نرم)

ت) استخراج سنگ از طبیعت ← حیات

(اقتصاد، تولید، صفحه ۲۴)

۱۲۳- گزینه «۲»

(فاطمه فهیمیان)

+ تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

سهام تولید خارجیان مقیم کشور - سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند

$$\Rightarrow 375 = 370 + 20 - \text{سهام تولید خارجیان مقیم کشور}$$

$$\Rightarrow \text{سهام تولید خارجیان مقیم کشور} = 390 - 375 = 15$$

هزار میلیارد ریال ۱۵ = سهم تولید خارجیان مقیم کشور

(اقتصاد، آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)

۱۲۴- گزینه «۴»

(فاطمه فهیمیان)

الف)

$$\text{میلیارد ریال } 750 = \frac{3}{4} \times 500 = \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد}$$

$$\text{میلیارد ریال } 690 = \frac{1}{4} \times (630 + 750) = \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

$$\text{میلیارد ریال } 420 = \frac{2}{3} \times (630) = \text{دستمزدها}$$

$$\text{میلیارد ریال } 3430 = 500 + 630 + 750 + 690 + 420 + 440 = \text{درآمد ملی}$$

ب) درآمد صاحبان املاک و مستغلات همان اجاره‌بها (ردیف ۶) و درآمد صاحبان سرمایه همان قیمت خدمات سرمایه (ردیف ۲) است.

$$\text{ریال } 68,600 = \frac{3,430,000}{50} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \text{درآمد سرانه}$$

د) مفهوم سرانه عبارت است از سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد یا تولید آن جامعه.

(اقتصاد، آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)



۱۲۵- گزینه «۴»

(فاطمه میاتی)

الف) اگر شیب منحنی تقاضا زیاد باشد، یعنی عکس‌العمل مصرف‌کننده در برابر قیمت کم است که اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی تقاضا کم است که به آن، کلاهی ضروری می‌گوییم.

ب) اگر در بازار، قیمت کالایی در حال کاهش باشد، به دلیل وجود مازاد (یعنی فزونی عرضه بر تقاضا)، قیمت به سمت قیمت تعادلی پیش می‌رود.

ج) در کشور ما شرکت توانیر به دلیل طبیعی انحصارگر در فروش کالای خود به‌شمار می‌رود.

شرکت پخش و پالایش فراورده‌های نفتی، از یک سو تنها خریدار و از سوی دیگر تنها فروشنده محصولات نفتی است.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۳، ۳۶، ۳۷ و ۳۸)

۱۲۶- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

تومان $26,000,000 = 500 \times 52,000 =$ درآمد ماهانه بنگاه
میلیون تومان ۲۶

میلیون تومان $312 = 26 \times 12 =$ درآمد سالانه بنگاه

میلیون تومان $108 = 1/5 \times 6 \times 12 =$ حقوق سالانه کارگران

میلیون تومان $12 = 1 \times 12 =$ اجاره سالانه بنگاه

میلیون تومان $4 = 1/5 \times 20 =$ هزینه استهلاک سالانه

$108 + 20 + 4/5 + 12 + 4 =$ مجموع هزینه‌های سالانه کارگاه

میلیون تومان $148/5 =$

میلیون تومان $163/5 = 312 - 148/5 =$ عملکرد سالیانه بنگاه

چون میزان درآمد از هزینه‌ها بیشتر است، این کارگاه از فعالیت خود سود (یا منفعت) برده است.

(اقتصاد، تولید، صفحه‌های ۲۸ و ۲۹)

۱۲۷- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

میلیون تومان $300 = \frac{6,000,000,000}{20} =$ قیمت / عمر مفید = هزینه استهلاک

میلیون تومان $2,400 = 200 \times 12 =$ میزان درآمدزایی سالیانه

میلیون تومان $2,100 = 2,400 - 300 =$ میزان درآمد خالص سالیانه

(اقتصاد، آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۱۲۸- گزینه «۴»

(نسرین پعفری)

الف) بررسی قسمت «الف» در گزینه‌ها:

قسمت «الف» گزینه «۱»: درست است.

قسمت «الف» گزینه «۲»: نادرست است. جامعه اسلامی برای حفظ هویت و استقلال سیاسی و فرهنگی خود، باید به رشد و پیشرفت اقتصادی به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارها در این مسیر توجه کند.

قسمت «الف» گزینه «۳»: درست است.

قسمت «الف» گزینه «۴»: نادرست است. دانشمندان علوم اقتصادی، موضوعات اقتصادی مانند تولید، مصرف، توزیع، تجارت، قیمت، رشد و پیشرفت، فقر و مالیات و ... را با روش‌های علمی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

ب) اگر فردی به رغم تغییر زیاد قیمت کالا در بازار، مصرف آن را تغییر ندهد به اصطلاح اقتصادی «کالای ضروری» است و اگر فرد با کوچک‌ترین تغییر در قیمت، مصرف کالایی را تغییر دهد، اصطلاحاً آن کالا، «کالای لوکس و تجملی» نام دارد.

پ) هر یک از عبارات صورت سؤال به ترتیب به مفاهیم محدودیت منابع و امکانات در دسترس انسان و قابلیت مصارف متعدد منابع اشاره دارند.

(اقتصاد، اقتصاد پیوسته، صفحه‌های ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۱)

۱۲۹- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

میلیارد ریال $12 = 1/3 \times 36 =$ هزینه استهلاک

میلیارد ریال $27 = 3/4 \times 18 =$ تولید خارجیان مقیم کشور

+ مجموع ارزش اقلام ماشین‌آلات، مواد غذایی و پوشاک = تولید ناخالص داخلی

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش خدمات ارائه شده

میلیارد ریال $170 = 125 + 18 + 27 =$ تولید ناخالص داخلی \Rightarrow

ریال $2125 = \frac{170,000}{80} =$ تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص داخلی سرانه

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند +

میلیارد ریال $179 = 170 - 27 + 36 =$ تولید ناخالص ملی \Rightarrow

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

میلیارد ریال $158 = 170 - 12 =$ تولید خالص داخلی \Rightarrow

(اقتصاد، آشنایی با شاخص‌های اقتصادی، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۶)

۱۳۰- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)

الف) به دلیل اینکه فعالیت‌های بانکی (عقود اسلامی) در بخش واقعی اقتصاد است، سود بانکی (علی‌الحساب یا قطعی) اعطایی به سپرده‌گذاران در قانون، ربا تلقی نشده است.

ب) مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین، یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود.

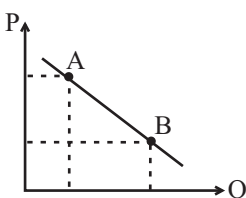
ج) گاهی از متخصصان به عنوان سرمایه‌انسانی یاد می‌شود.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۲۶ و ۶۹)

۱۳۱- گزینه «۳»

(فاطمه فویمیان)

منحنی تقاضا از چپ به راست نزولی است، محور P قیمت و محور Q مقدار را نشان می‌دهد. در محور P نقطه A بالاتر از نقطه B قرار می‌گیرد پس قیمت بیشتر است اما در محور Q نقطه A قبل از نقطه B قرار می‌گیرد بنابراین مقدار آن کمتر از نقطه B است.



(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)



۱۳۲- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

(الف)

$$\text{سهم دهک اول} + \text{سهم دهک دوم} + \text{سهم دهک سوم} + \text{سهم دهک چهارم} = \text{شاخص دهکها}$$

$$\Rightarrow \frac{۱۷}{۳+۴+۵+۶} \approx ۰/۹۴$$

(ب)

$$\text{سهم دهک اول} + \text{سهم دهک دوم} = \frac{۱۷+۱۶}{۳+۴} = \frac{۳۳}{۷} = ۴/۷ = \text{شاخص دهکها}$$

(ج)

$$\frac{\text{سهم دهک دوم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۱۷}{۳} \approx ۵/۶$$

مشاهده می شود که محاسبه توزیع درآمد به روش ۱۰ درصد بالا و وضعیت ۴۰ درصد پایین

توزیع درآمد را مناسب تر و روش $\frac{\text{سهم دهک دوم}}{\text{سهم دهک اول}}$ وضعیت توزیع درآمد را

نامناسب تر نشان می دهد.

(د) با محاسبه نسبت دهک دهک اول در کشورهای مختلف شاخصی به دست می آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد بین آن ها به کار

می رود.

(اقتصاد، فقر و توزیع درآمد، صفحه های ۸۶ و ۸۷)

۱۳۳- گزینه «۲»

(نسرین معفری)

(الف) درست است. وظایف بازاریاب و بازرگان یکسان است و هر دو کمک بزرگی به تولیدکنندگان داخلی و افزایش رونق اقتصادی کشور می کنند. ولی کار خرید و فروش کالا فقط به عهده بازرگان است نه بازاریاب.

(ب) نادرست است. اگر کشوری «راه های تأمین کالاهای وارداتی یا بازارهای فروش کالاهای صادراتی خود را گوناگون کند و از وضعیت تک محصولی فاصله بگیرد و با خلق مزیت های جدید اقتصادی امکان تأمین بعضی نیازها را در داخل فراهم کند و به علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان توجهی بیشتر داشته باشد»، به وضعیت استقلال اقتصادی و استحکام اقتصادی نزدیک می شود.

(پ) نادرست است. نهادهای ناظر بر امور اقتصادی و مالی IMF و WTO هستند و ASEAN یک اتحادیه اقتصادی در جنوب شرقی آسیا بین ۱۰ کشور است و ناظر بر امور اقتصادی جهانی نیست.

(ت) درست است.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه های ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۲)

۱۳۴- گزینه «۴»

(فاطمه هباتی)

(الف) به یقین، ملاک بهترین بودن این است که با استفاده از این منابع بتوان بیشترین میزان منافع (مانند تولید) را به دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد.

(ب) دانش اقتصاد با دقت درباره انواع منافع و هزینه ها کمک می کند انسان ها، سازمان ها و کشورها در استفاده از منابع و امکاناتشان بهترین ها را انتخاب کنند. نتیجه این تلاش فکری، پدید آمدن «اندیشه اقتصادی» است.

(ج) هرچه منابع درآمدی کشور گوناگون تر باشد، مقاومت و در پی آن پیشرفت کشور بیشتر تضمین می شود. تأکید بر اصلاح نظام مالیاتی، افزایش صادرات غیرنفتی و حرکت به سمت فروش فرآورده های نفتی به جای نفت خام به تنوع منابع درآمدی کشور کمک می کند.

(د) رشد اقتصادی کشور وقتی تضمین می شود که آن چه در درون کشور تولید می شود، در سطح گسترده توسط کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

(ه) رشد اقتصادی بیش از این که به رشد سرمایه های فیزیکی وابسته باشد، بهتر است به رشد توانمندی (سرمایه انسانی) و ارتقای قدرت تولیدی عموم مردم استوار گردد تا پیشرفت اقتصادی مطمئن تری را در پی داشته باشد.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه های ۱۱، ۱۴ و ۱۴۱ تا ۱۴۳)

۱۳۵- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

(الف) واحد پولی $۱۸۰۰ = \frac{۳}{۴} \times ۲۴۰۰ =$ ارزش پولی مجموع مسکوکات

(ب) واحد پولی $۲۵۰۰ =$ مجموع سپرده های دیداری و غیردیداری مردم

واحد پولی $۸۵۰ =$ ارزش پولی سپرده های جاری (دیداری) مردم

واحد پولی $۱۶۵۰ = ۲۵۰۰ - ۸۵۰ =$ سپرده های غیردیداری \Rightarrow

سپرده های مدت دار + سپرده های پس انداز = سپرده های غیردیداری

سپرده های مدت دار $۱۶۵۰ = ۷۲۰ +$

واحد پولی $۹۳۰ =$ سپرده های مدت دار \Rightarrow

(ج) ارزش پولی حساب های قرض الحسنه + سپرده های غیردیداری = شبه پول

واحد پولی $۳۰۰۰ = ۱۶۵۰ + ۱۳۵۰ =$ شبه پول

(د)

(مسکوکات، اسکناس ها و سپرده های جاری مردم) پول = حجم کل پول (نقدینگی)

(سپرده های غیردیداری + حساب های قرض الحسنه) شبه پول +

واحد پولی $۸۰۵۰ = ۳۰۰۰ + ۱۸۰۰ + ۲۴۰۰ + ۸۵۰ =$ حجم کل پول (نقدینگی)

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه های ۶۰ و ۶۵)

زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)

۱۳۶- گزینه «۱»

(فرهار علی نزار)

عبارت این گزینه درباره زبان پارتی صدق می‌کند. زبان پهلوی زبان رسمی دوران ساسانی بود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۹، ۴۰، ۴۲ و ۴۳)

۱۳۷- گزینه «۳»

(ابوزر اعمری)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سروش اصفهانی از قصیده‌سرایان به سبک شاعران خراسانی است.

گزینه‌های «۲» و «۴»: خداوندنامه به سبک بوستان نیست و ملک‌الشعرای بهار دو مجله «دانشکده» و «نوبهار» را انتشار می‌داد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۳ و ۱۶)

۱۳۸- گزینه «۳»

(عارفه‌سادات طباطبایی نزار)

اولین تجربه داستان‌نویسی سیمین دانشور «آتش خاموش» بود. بعدها داستان «شهری چون بهشت» را منتشر کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۱۳۹- گزینه «۲»

(عارفه‌سادات طباطبایی نزار)

مجالس‌المؤمنین: قاضی نورالله شوشتری

جامع‌التواریخ: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

محبوب‌القلوب: میرزا برخوردار فراهی

مجالس سبعة: مولانا

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۴، ۱۵، ۱۷ و ۱۸)

۱۴۰- گزینه «۱»

(عارفه‌سادات طباطبایی نزار)

بیت نخست از سعدی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۰، ۱۹، ۵۰ و ۵۵)

۱۴۱- گزینه «۲»

(عارفه‌سادات طباطبایی نزار)

واقع‌گرایی در شعر از ویژگی‌های فکری شعر سبک خراسانی است. در این سبک توصیفات، عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

۱۴۲- گزینه «۱»

(عارفه‌سادات طباطبایی نزار)

ب: اندیشه حاکم بر داستان‌های دهه اول انقلاب، ابتدا سیاسی و بعد اجتماعی است.

ج: تفکر اومانیستی پیش از انقلاب پررنگ بوده و پس از انقلاب کمتر دیده می‌شود.

د: ادبیات داستانی پس از انقلاب تنوع موضوعی دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۱۴۳- گزینه «۲»

(ممد میرثی)

آرایه تشبیه در سایر ابیات:

گزینه «۱»: شاعر چهره معشوق را به خورشید تشبیه و از آن برتر دانسته است.

گزینه «۳»: «لعل» و «عارض» معشوق به ترتیب به «حوض کوثر» و «خلد برین» تشبیه شده است.

گزینه «۴»: «ابرو» به «کمان» تشبیه شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۰)

۱۴۴- گزینه «۱»

(ممسن فرایی - شیراز)

«گوش» و «هوش» جناس ناقص دارند. «گوش هوش» اضافه استعاری و تشخیص است. «پرده» ایهام دارد: ۱- پوشش و لباس ۲- نوا / «هوش» هم ایهام دارد: ۱- عقل و فهم ۲- جان / «تقریر کردن صد داستان شکایت، در پرده خاموشی» تناقض است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بریع، ترکیبی)

۱۴۵- گزینه «۱»

(سیر علیرضا اعمری)

فاقد تشبیه / مجاز: «عالم» مجاز از مردم عالم / جناس: «که» اول: چه کسی، «که» دوم: حرف ربط (جناس همسان) و «دم» مجاز از لحظه

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: فاقد مجاز است.

گزینه «۳»: فاقد جناس است. «باز» و «از» در بیش از یک واج اختلاف دارند.

گزینه «۴»: دارای تشبیه است.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بریع، ترکیبی)

۱۴۶- گزینه «۴»

(ممد میرثی)

کلمات «نقش»، «ادوار»، «مخالف» و «راست» در این بیت در معنای موسیقایی خود دارای ایهام تناسب هستند و نه ایهام.

ایهام در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «فلاح»: ۱- رستگاری ۲- گفتن «حی علی الفلاح» که بخشی از اذان است.

گزینه «۲»: «کار»: ۱- زراعت، کاشت ۲- عمل

گزینه «۳»: «به چشم آمدن»: ۱- ظاهر شدن ۲- چیزی که وارد چشم می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۱۴۷- گزینه «۳»

(ممد میرثی)

تشبیه: تشبیه بیت از نوع «مرجح» بوده و شاعر با ترجیح معشوق، او را از گل و گیاهان باغ برتر می‌بیند. / استعاره: «سرو سخنگو» استعاره از محبوب (غرور گل نیز استعاره و تشخیص است) / مجاز: «چمن» مجاز از باغ

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «شاهان» به «شیر» تشبیه شده‌اند (تشبیه مضمّر) / «بتان» و «آهوان» استعاره از زیبارویان / فاقد مجاز

گزینه «۲»: تشبیه: آتش عشق (تشبیه بلیغ) / مجاز: «خاک» مجاز از زمین (مزار) / فاقد استعاره

گزینه «۴»: مجاز: «دم» مجاز از لحظه / استعاره: خون ریختن چشم، استعاره و تشخیص است / فاقد تشبیه

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)



۱۴۸- گزینه «۳»

(مسن فراهی- شیراز)

فاقد «حسن تعلیل» است. / تضاد: «ابد» و «ازل»

تشریح سایر گزینهها:

گزینه «۱»: «آب بقا» تلمیح دارد. / دو مصراع معادل یکدیگر بوده و بیت اسلوب معادله دارد.

گزینه «۲»: «حرف» مجاز از سخن است. / «چون قلم به تیغ نگردیم» تشبیه دارد.

گزینه «۴»: «لعل» استعاره از لب است. / «محتشم» ایهام تناسب دارد: ۱- محتشم کاشانی ۲- با شکوه و جلال که کاربرد ندارد ولی با «ملک» و «نگین» تناسب دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بربیع، ترکیبی)

۱۴۹- گزینه «۱»

(سیر علیرضا احمدری)

لف و نشر (د): قد (لف ۱)، روی (لف ۲)، سرو (نشر ۱)، سمن (نشر ۲) / ایهام (ج): صاحب نظر در دو معنای احتمالی نگاه کننده و با بصیرت (= صاحب رأی) استفاده شده است. / تشبیه (الف): سیم تن / حسن تعلیل (ب): شاعر دلیلی غیر منطقی برای شکسته شدن دل عشاق آورده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بربیع، ترکیبی)

۱۵۰- گزینه «۴»

(عمیر مهرثی)

بیت «ب»: استعاره: «سرپنجه اقبال» استعاره و تشخیص است.

بیت «الف»: «رنگ داشتن صدا» حس آمیزی دارد.

بیت «ه»: جناس: «رنگ» و «سنگ»

بیت «ج»: اغراق: بزرگ نمایی در لطافت و ظرافت معشوق

بیت «د»: پارادوکس: «تر بودن آن چه خشک است» پارادوکس دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، (۲) و (۳)، بیان و بربیع، ترکیبی)

۱۵۱- گزینه «۴»

(سیر علیرضا احمدری)

ردیف (عشق) در بیت گزینه «۴» وابسته و وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه است. گلبن (هسته)، بستان (مضاف الیه)، عشق (مضاف الیه مضاف الیه)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۲)

۱۵۲- گزینه «۲»

(عمیر مهرثی)

«ات» در «طاعات» و «شهوات» پسوند علامت جمع هستند و چون نوع پسوند این دو کلمه یکسان است، لذا قافیة بیت غلط خواهد بود.

تشریح سایر گزینهها:

گزینه «۱»: «پرتاب» و «پرتاب» دو کلمة متفاوت هستند که حروف اصلی قافیة آن‌ها «اب» به حساب می‌آید. «یش» حروف الحاقی هستند.

گزینه «۳»: «جوش» نخست: جوشیدن و خروشیدن، «جوش» دوم: جوی آب او. بیت فاقد ردیف است؛ «جوش» در دو مصراع معنای متفاوتی داشته و بنابراین کلمات قافیہ هستند.

گزینه «۴»: «آمدیم» و «شدیم» کلمات قافیہ هستند. هر چند مصوت‌های کوتاه پایانی دو کلمه متفاوت است، اما چون حروف الحاقی «یم» دارند، بنابراین امکان یکسان نبودن مصوت‌هایشان وجود دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۲)

۱۵۳- گزینه «۳»

(سیر علیرضا احمدری)

کسرة اضافه در هجای دوم مصراع دوم بیت گزینه «۳»، (میل نگاه کردن) بلند تلفظ می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۱۵۴- گزینه «۳»

(عمیر مهرثی)

در رکن نخست مصراع اول «ابدال» وجود دارد. در رکن نخست و رکن سوم مصراع دوم نیز اختیار «قلب» به کار رفته است. وزن بیت نیز «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است.

گو	ید	ظا	قا	ن	یا	این	هـ	م	نا	مو	س	چیت
-	UU	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
ن	هر	ک	دو	بی	ت	گفت	ل	قب	ز	خا	قلن	ب
U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U

تشریح سایر گزینهها:

گزینه «۱»: فقط در رکن اول مصراع دوم «ابدال» دارد.

گزینه «۲»: فقط در رکن نخست مصراع دوم «قلب» دارد.

گزینه «۴»: فاقد ابدال و قلب است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۱۵۵- گزینه «۱»

(عمیر مهرثی)

رو	ی	ت	د	لم	را	ب
-	U	U	U	-	-	U
آن	را	ک	د	لی	هس	ت
-	-	U	U	-	-	U
مفعول	مفاعیل					

سو	ی	خُد	ن	گ	ران	کرد
U	U	U	U	U	-	-
ب	رو	یت	ن	گ	را	نست
U	-	-	U	U	-	-
مفاعیل	مفعول					

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۶)

۱۵۶- گزینه «۴»

(عمیر مهرثی)

وزن بیت صورت سؤال «مفعول فاعلاتن / مفعول فاعلاتن» (مستفعلن فاعولن / مستفعلن فاعولن) است. وزن بیت گزینه «۴»، «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فاع» می‌باشد که هیچ‌یک از چهار رکن متصور در بیت صورت سؤال در وزن این بیت دیده نمی‌شود.

وزن سایر گزینهها:

گزینه «۱»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

گزینه «۲»: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)

گزینه «۳»: مفاعیلن مفاعیلن فاعولن

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)



۱۵۷- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا احمدی)

وزن مصراع صورت سؤال مفاعِلن (چ را ک نو /)، فعلاتن (ک ب ها رس)، مفاعِلن (ت ج ه د ا /)، فعِلن (ن ک نی) می باشد و همه ابیات به جز بیت گزینه «۱» در همین وزن سروده شده اند.

وزن بیت گزینه «۱»: مفاعِلن (چ حاج تس)، فعلاتن (ت م خر رک)، مفاعِلن (ز د س ت زف)، فعلاتن (ت ع نا / را)

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۵۸- گزینه «۳»

(ممد مهرئی)

وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مسدس سالم)» است.

وزن سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: فعولن فعولن فعولن: متقارب مثنی سالم

گزینه «۲»: مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن: رجز مثنی سالم

گزینه «۴»: مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مسدس محذوف

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۱۵۹- گزینه «۲»

(ممد مهرئی)

وزن ابیات:

الف) مفعول مفاعیلن / مفعول مفاعیلن (مستفعل مفعولن / مستفعل مفعولن)

ب) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

ج) مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن مستفعِلن

د) مفعول مفاعِلن فعولن (مستفعل فاعلاتن فعِلن (مستف))

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۶۰- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

در واژه «دیوانگی» مصوت بلند «ای» کوتاه تلفظ می شود.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۶۱- گزینه «۴»

(ممن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط، حول غنیمت شمردن فرصت و کوتاه بودن آن می گذرد، اما در بیت گزینه «۴»، «فرصت» تخلص شاعر (فرصت شیرازی) است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۵۵)

۱۶۲- گزینه «۴»

(ممن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۴»: شرط رسیدن به معشوق، گذشتن از وجود مادی و ترک تعلقات است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۴۰)

۱۶۳- گزینه «۱»

(ممن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: آشکار کردن زیباییها، موجب مصیبت کشیدن و نازل شدن بلاهاست.

مفهوم بیت گزینه «۱»: تأثیر قضا و قدر در زندگی آدمی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۷۸)

۱۶۴- گزینه «۳»

(ممن اصغری)

تشریح موارد نادرست:

الف) شاعر افتادن پرنده در دام را تأثیر قضا و قدر می داند و نقشی برای اختیار پرنده قائل نیست.

ج) شاعر از ناتوانی انسان در برابر قضای الهی حرف زده است و مطلبی در مورد دنیای درون (ذهن گرایبی) در شعر دیده نمی شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه های ۳۷ و ۳۸)

۱۶۵- گزینه «۲»

(ابوزر احمدی)

در صورت سؤال و گزینه «۲» شاعر به این موضوع اشاره دارد که «در انتظار نجات دهنده ای برای اوضاع کشور است، ولی کسی پیدا نمی شود.»

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، ترکیبی)

زبان عربی (اختصاصی)

۱۶۶- گزینه «۲»

(سید ممدعلی مرتضوی)

«لعلّ ... یحمینا»: امید است (شاید) ما را نگه دارد (رد گزینه ۴) / «شروور الحادئات»: بدی های حوادث (رد گزینه های ۱ و ۳) / «یعیینا»: (در این جا) ما را یاری کند (رد گزینه ۳) / «دائماً»: همواره، همیشه / «حتی لا یغرنا»: تا ما را فریب ندهد (رد گزینه های ۱ و ۴)

(عربی (۳)، ترجمه)

۱۶۷- گزینه «۱»

(سین رضایی)

«هذه النجوم»: این ستارگان (رد گزینه های ۳ و ۴) / «کالدّر المنتشرة»: مانند مرواریدهای پراکنده / «علی قماش أسود»: بر پارچه ای سیاه (رد گزینه های ۳ و ۴) / «تزیین»: زینت می دهند (رد گزینه ۲) / «السماء فوق رؤوسنا»: آسمان را بالای سر ما / «فی اللیل المظلم»: در شب تاریک (رد سایر گزینه ها)

(عربی (۱)، ترجمه)

۱۶۸- گزینه «۱»

(سید ممدعلی مرتضوی)

«تصدّق»: باور می کنی (رد گزینه های ۳ و ۴) / «هناک طائرأ»: پرنده ای وجود دارد (هست) (رد گزینه ۳) / «لا یُری»: (فعل مجهول) دیده نمی شود (رد گزینه های ۲ و ۳) / «جناحاه»: (جناحان + ه) دو بالش، بال هایش / «بسبب سرعة حرکتها»: به خاطر سرعت حرکتشان (رد گزینه ۳) / «الأعجب منه»: عجیب تر از آن (رد گزینه های ۲ و ۴) / «أصغر طائرأ»: کوچک ترین پرنده (رد گزینه های ۲ و ۴)

(عربی (۲)، ترجمه)



۱۶۹- گزینه «۳»

(لکظم غلامی)

«كُنْتُمْ مُعْجِبِينَ»: علاقه‌مند بودید / «بأسماك»: ماهیانی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «تَحَبُّ أَنْ تَأْكُلَ»: که دوست دارند بخورند / «فرائسها حیة»: (مرجع حال + حال) شکارهای خود را زنده (رد سایر گزینه‌ها) / «ولکن»: ولی / «تغذیتها»: غذا دادن به آن‌ها / «أصبحت صعبةً علیکم»: برایتان سخت شده است (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(عربی (۳)، ترجمه)

۱۷۰- گزینه «۴»

(ولی بربری - ابهر)

«الَّذین»: کسانی که / «یعلّمون»: یاد می‌دهند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «الجاهلین»: نادان‌ها / «طریق الحیة»: راه زندگی / «لا یغضبوا»: (فعل نهی غایب) نباید خشمگین شوند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «الغضب»: عصبانیت / «مفسدة»: مایه تباهی است / «تقرّب الإنسان من الفشل»: که انسان را به شکست نزدیک می‌سازد (رد گزینه‌های ۱ و ۲؛ حرف «واو» زائد و نادرست است.)

(عربی (۳)، ترجمه)

۱۷۱- گزینه «۳»

(ولی بربری - ابهر)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «المُتعلّم» به معنای «یادگیرنده» است نه «یاددهنده». هم چنین «هذه الكتب ... كلها» به صورت «این کتاب‌ها همگی ...» ترجمه می‌شود.

گزینه «۲»: «أعطاء» فعل ماضی للغائب است که همراه ضمیر آمده است و به معنای «به او داد» می‌باشد و نباید آن را با صیغه متکلم وحده (اول شخص مفرد) مضارع اشتباه گرفت.

گزینه «۴»: «مرآت» به معنای «بارها» ترجمه نشده است و نباید آن را مصدر فعلی جمله (مفعول مطلق تأکیدی) در نظر گرفت و به صورت تأکیدی ترجمه کرد.

(عربی (۲) و (۳)، ترجمه)

۱۷۲- گزینه «۱»

(ولی بربری - ابهر)

در گزینه «۱»، «مُرافق» مفرد و به معنای «همراه» است و جمع آن «مُرافقون و مُرافقین» است. در این گزینه، «بطاقة» نیز مفرد است که به صورت جمع ترجمه شده و نادرست است.

(عربی (۱) و (۳)، ترجمه)

۱۷۳- گزینه «۲»

(ولی بربری - ابهر)

«کشاورزانی»: مُزارعین (رد گزینه ۴) / «در مزرعه»: فی المزرعة (رد گزینه ۳) / «آن کشاورزان»: (اولنک) المزارعون (رد گزینه‌های ۱ و ۴؛ در گزینه «۱»، «فلاحین» نکره است و جمله بعد از آن جمله وصفیه است در حالی که در صورت سؤال، عبارت داده شده به صورت جمله وصفیه نیامده است.) / «محصولات خود»: محاصيلهم / «با خوشحالی»: (حال) مسرورین / «درو می‌کردند»: کان ... یحصدون (رد گزینه ۳)

(عربی (۲) و (۳)، ترجمه)

۱۷۴- گزینه «۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

عبارت صورت سؤال می‌گوید: «دوست واقعی، دوست فصل‌های چهارگانه است!»، در گزینه «۴»، عبارت (هر کس که در کنارت می‌ماند هنگامی که همه می‌روند، او بهترین دوست است!) تناسب مفهومی بیشتری با عبارت داده شده دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ترجمه: همنشین درستکار بهتر از تنهایی است!

گزینه «۲»: ترجمه: بهترین دوستان کسی است که شیرین و تلخ زندگی را به تو بیاموزد!

گزینه «۳»: ترجمه: هیچ خیری نیست در دوستی‌ای که منافع و مصالح بر آن حکم می‌کنند!

(عربی (۱)، مفهومی)

۱۷۵- گزینه «۲»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «معلوم، فعل و فاعل» نادرست است. «یُحکمی» فعل مجهول است.

گزینه «۳»: «للذّلاله علی المهنة، مبنی» نادرست است. «کذاباً» دلالت بر شغل ندارد، هم‌چنین اسمی معرب است.

گزینه «۴»: «مصدره؛ مُظاهرة؛ علی وزن: مُفاعلة» نادرست است. «تظاهر» فعل ماضی از باب «تفاعل» است.

(عربی (۲)، تحلیل صرفی و مغل اعرابی)

۱۷۶- گزینه «۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ماضیه: تَعَوَّض؛ مضارعه: يتعَوَّض» نادرست است. «تَعَوَّض» مصدر از باب تفعیل است، نه تفعّل.

گزینه «۲»: «للمخاطب، ماضیه: حرّک؛ مصدره: تحریک» نادرست است. این فعل مفرد مؤنث غایب و از باب تفعّل است، نه تفعیل.

گزینه «۳»: «له حرفان زائدان، فاعله: رأس» نادرست است. «تُحرّک» از باب تفعیل و دارای یک حرف زائد است، هم‌چنین «رأس» مفعول آن است.

(عربی (۱)، تحلیل صرفی و مغل اعرابی)

۱۷۷- گزینه «۳»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «اسم تفضیل» نادرست است. با توجه به معنای «بکماء» (لال) مشخص است که اسم تفضیل نیست.

گزینه «۲»: «خبیر ...» نادرست است. «طفلة» مفعول است.

گزینه «۴»: «فعل من الأفعال الناقصة ...» نادرست است. «صیرت» از افعال ناقصه نیست. («صار» جزء افعال ناقصه است.)

(عربی (۲)، تحلیل صرفی و مغل اعرابی)



۱۷۸- گزینه «۳»

(مصدر راوریناهی - بفتورر)

در این گزینه، «الإبتعاد» (مصدر باب افتعال، بر وزن «أفتعال») و «التقرب» (مصدر باب تفعّل، بر وزن «تفعل») صحیح است.

(عربی (۱)، ضبط حرکات)

۱۷۹- گزینه «۲»

(سیر مفعلمعلی مرتضوی)

«به وسیله ... ممکن است که پزشک از دچار شدن فرد به تب آگاهی یابد و داروهای لازم را تجویز کند!»
با توجه به معنی، «المحرار» به معنای «دماسنج» مناسب است.

(عربی (۱)، واژگان)

۱۸۰- گزینه «۳»

(ولی بریبی - ابهر)

ترجمه عبارت گزینه «۳»: دو چشم او در راه خداوند بیدار ماند و از محرمات او بر هم نهاده شد و همینطور از ترس خداوند پُر شد!
در این گزینه مترادف وجود ندارد.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: «السنة و عام» هر دو به معنای «سال» مترادف هستند.

گزینه «۲»: «أعان و نصر» هر دو به معنای «یاری کرد» مترادف هستند.

گزینه «۴»: «ستر» و «خفاء» به معنای «پنهان کردن یا پوشاندن» مترادف هستند.

(عربی (۳)، واژگان)

۱۸۱- گزینه «۴»

(سیر مفعلمعلی مرتضوی)

صورت سؤال، موصوفی را می‌خواهد که مضاف نباشد؛ در گزینه «۴»، در ترکیب «أقوال المُنَافِقِينَ الجُهَال»، «أقوال» مضاف است، «المُنَافِقِينَ» مضاف‌الیه و موصوف است و «الجُهَال» صفت است؛ بنابراین موصوف، مضاف نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در ترکیب «قطرات المطر الصغيرة»، «قطرات» موصوف و مضاف است، «المطر» مضاف‌الیه است و «الصغيرة» صفت است.

گزینه «۲»: در ترکیب «ظلمة القرية الشديدة»، «ظلمة» موصوف و مضاف است، «القرية» مضاف‌الیه است و «الشديدة» صفت است.

گزینه «۳»: در ترکیب «أعمال القبيحة»، «أعمال» موصوف و مضاف است، ضمیر «ک» مضاف‌الیه است و «القبيحة» صفت است.

(عربی (۱)، قواعد اسم)

۱۸۲- گزینه «۲»

(نوبیر امسکی)

ترجمه عبارت گزینه «۲»: همانا دروغ بدترین بیماری‌ها و خطرناک‌ترین آن‌هاست!

بنابراین «شر» معنی «بدترین» می‌دهد و اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها «شر» به معنای «بدی» آمده است.

(عربی (۲)، قواعد اسم)

۱۸۳- گزینه «۱»

(مصدرضا سوری)

در گزینه «۱»، فعل «تَبَيَّنَ» ماضی است که بعد از «لیت» آمده است، پس به‌صورت ماضی بعید یا استمراری ترجمه می‌شود، نه مضارع التزامی.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «عملت» فعل شرط است که می‌تواند به صورت مضارع التزامی ترجمه شود.

گزینه «۳»: «لکی لا نغفد» (به‌خاطر «لکی») به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

گزینه «۴»: «يُحاول» جمله وصفیه است که بعد از فعل مضارع «يُعجب» آمده است، پس می‌تواند به‌صورت مضارع التزامی ترجمه شود.

(عربی (۲)، قواعد فعل)

۱۸۴- گزینه «۳»

(مصدرضا سوری)

در گزینه «۳»، «مؤدّبین» حال است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ناطق» صفت برای «ألسنة» است. هم‌چنین «واو» از نوع حالیه نیست، چون بعد از آن فعل مضارع آمده است.

گزینه «۲»: «فرحة» خبر «تصبح» از افعال ناقصه است.

گزینه «۴»: «مُبتسمین» صفت برای «طالبین» است.

(عربی (۳)، حال)

۱۸۵- گزینه «۲»

(کظم غلامی)

ترجمه صورت سؤال: عبارتی را مشخص کن که در آن، فقط بر «تنبه دانش‌آموزان» تأکید شده است. دقت کنید عبارت، دارای مفهوم حصر است.

در گزینه «۲»، «تنبه» مفعول مطلق تأکیدی است که بر «تنبه دانش‌آموزان» تأکید دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «إنّ کلّ جملة بعد از خود را تأکید می‌کند و این، موردنظر سؤال نیست.

گزینه «۳»: «تنبه» صفت گرفته است، پس مفعول مطلق نوعی است که مفهوم تأکید ندارد.

گزینه «۴»: اگرچه «تنبه» مفعول مطلق تأکیدی است و بر «تنبه دانش‌آموزان» تأکید دارد، اما علاوه بر آن، «إنّ» هم کلّ جمله بعد از خود را تأکید می‌کند، پس با توجه به صورت سؤال (فقط بر ...)، این گزینه هم نمی‌تواند صحیح باشد.

(عربی (۳)، مفعول مطلق)



تاریخ

۱۸۶- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

امروزه باستان‌شناسان برای تاریخ‌گذاری و تعیین سن آثار باستانی، از روش‌های علمی پیشرفته‌ای مانند روش رادیوکربن و شیوه پیشرفته‌تری موسوم به «پتاسیم-آرگون» استفاده می‌کنند.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۲۶)

۱۸۷- گزینه «۴»

(علی‌مهمد کریمی)

در عصر نوسنگی، انسان علاوه بر اینکه فن ساخت ابزارها و ظروف سنگی را ترقی داد، با ابداع چرخ سفالگری اقدام به تولید ظروف گلی کرد و با استفاده از پشم حیوانات، موفق به تولید پارچه شد.

(تاریخ (۱)، پیمان در عصر باستان، صفحه ۳۳)

۱۸۸- گزینه «۴»

(علی‌مهمد کریمی)

بقایای کوره‌های ذوب و قالب‌گیری مس در برخی سکونتگاه‌های کهن مانند شهداد، تل ابلیس و تپه بیحی در استان کرمان و تپه زاغه در قزوین، بیانگر آن است که در حدود ۵ تا ۷ هزار سال پیش ساکنان این سکونتگاه‌ها به فنون ذوب و قالب‌گیری مس دست یافته بودند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۷۴)

۱۸۹- گزینه «۴»

(علی‌مهمد کریمی)

در زمان هرمز چهارم، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان اوج گرفت و یکی از سرداران مشهور او به نام بهرام چوبین، با پشتیبانی بزرگان علیه پادشاه سر به شورش برداشت و او را از قدرت برکنار نمود و خود به جای او به پادشاهی نشست.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

۱۹۰- گزینه «۳»

(علی‌مهمد کریمی)

یکی از ویژگی‌های مهم هنر و معماری هخامنشی، تأثیرپذیری از دستاوردهای هنری اقوام و ملت‌های تابع آن حکومت بود که پیشینه تمدنی درخشانی داشتند. دیگر ویژگی شاخص هنر و معماری دوره هخامنشی، درباری بودن آن بود، به این معنی که شکوه شاهانه و تشریفات و تجملات درباری را به نمایش می‌گذاشت. یکی از دیگر از ویژگی‌های هنر هخامنشی، طبیعت‌گرایی یا به عبارت دیگر، استفاده و تقلید از عناصر موجود در طبیعت مانند حیوانات و گیاهان در آثار هنری‌شان است.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۳۳ و ۱۴۴)

۱۹۱- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندربیک ترکمان در تاریخ صفویان، یکی از مشهورترین آثار در حوزه تاریخ‌های سلسله‌ای محسوب می‌شود.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه ۷)

۱۹۲- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

در سال دهم بعثت، با رحلت ابوطالب، جسارت و آزار سران قریش نسبت به رسول خدا (ص) بیشتر شد.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۲۹)

۱۹۳- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

در پی روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری، فعالیت‌های علمی و فکری ایرانیان دو چندان شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۵)

۱۹۴- گزینه «۲»

(علیرضا رضایی)

شاه سلیمان با امور و اصول کشورداری بیگانه بود و در زمان او اعضای حرم‌سرا نفوذ زیادی داشتند و در اداره امور حکومت دخالت می‌کردند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۴۲)

۱۹۵- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

پس از انقراض امپراتوری شارلمانی، پادشاهان به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه ارتش، قادر به حفظ اقتدار و امنیت قلمرو خود نبودند. به همین دلیل اربابان (زمین‌داران بزرگ)، از جمله شاهان، درصد برآمدند قسمت‌هایی از زمین‌ها و املاک خود را در برابر دریافت خدمات نظامی و غیرنظامی به زبردستان و یا اشراف درجه دوم واگذار کنند.

(تاریخ (۲)، اروپا در قرون وسطی و عصر مدرن، صفحه‌های ۱۶۳ و ۱۶۴)

۱۹۶- گزینه «۴»

(پواد میربلوکی)

ایران در عهدنامه گلستان از داشتن کشتی جنگی در دریای کاسپی (خزر) محروم شد.

(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون مدرن و معاصر، صفحه ۳۳)

۱۹۷- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)

در ماجرای حرکت مردم علیه استبداد، به دنبال خشم عمومی از گرانی برخی از کالاهای موردنیاز مردم، در مسجد شاه مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمع، با توطئه امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماع‌های بزرگی در منزل‌های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی، مردم و روحانیون با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.

(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون مدرن و معاصر، صفحه‌های ۶۶ و ۶۷)



۱۹۸- گزینه «۲»

(بوار میرلوکی)

حکومت استالین با ادامه برنامه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی که از زمان لنین آغاز شده بود و اجرای برنامه‌های جدید، تغییر و تحول چشمگیری در شوروی ایجاد کرد. یکی از این برنامه‌ها، طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی بود که با اعمال قدرت و خشونت بسیار ادامه یافت.

(تاریخ (۳)، تاریخ جهان در قرون پدید و معاصر، صفحه ۱۰۱)

۱۹۹- گزینه «۲»

(میلار هوشیار)

اولین مرحله فعالیت سیاسی و مبارزه امام خمینی (ره) با اعتراض به تصویب‌نامه انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی ایران، صفحه ۱۲۸)

۲۰۰- گزینه «۳»

(میلار باغ‌شیفی)

دستاوردهای دفاع مقدس در حوزه فرهنگی و معنوی عبارت‌اند از:

۱. تقویت اعتماد به نفس و احساس خودباوری و بروز خلاقیت در میان جوانان ایرانی

۲. تثبیت اقتدار نظام جمهوری اسلامی در دفاع از تمامیت ارضی کشور

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی ایران، صفحه ۱۶۲)

جغرافیا

۲۰۱- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

از آن‌جا که جغرافیا روابط متقابل انسان را با محیط، مطالعه و بررسی می‌کند، بنابراین شناخت توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی بدون دانش جغرافیا ممکن نیست.

(جغرافیای ایران، جغرافیا پیست؟، صفحه ۵)

۲۰۲- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

بعضی از دشت‌ها بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده‌اند. مانند شکل صورت سؤال که دشت نهاوند در استان همدان را نمایش می‌دهد.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۰)

۲۰۳- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

با توجه به ناهمواری‌ها و جهت آن‌ها، هرچه از غرب به سمت شرق کشور برویم، مقدار آب رودها کمتر می‌شود.

رودهایی که از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می‌شوند، دائمی هستند. اگر این رودها در نواحی مرطوب جریان یابند، مقدار آب آن‌ها بیشتر خواهد بود.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۸)

۲۰۴- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود و از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگن است و امکان خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی در سامانه و شبکه‌ای واحد را فراهم می‌سازد، دهستان است که تابع بخش است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۳)

۲۰۵- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

استان‌های یزد، کرمان و اصفهان، بیشترین شاغلان بخش معدن را دارند که این استان‌ها، عمده وسعتشان در منطقه کوهستانی مرکزی واقع است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۹۳)

۲۰۶- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

محدودیت‌ها و موانع محیطی موجب می‌شود، انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن چاره‌اندیشی کنند. برای مثال مردم نواحی گرم و خشک مانند شهر یزد بادگیرها را برای غلبه بر میزان گرمای محیط به کار می‌گرفتند. نواحی فقط تحت تأثیر روابط معمول انسان‌ها و محیط طبیعی نیستند، بلکه حکومت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی نیز به شدت بر نواحی تأثیر می‌گذارند. مانند اقداماتی که دولت امارات متحده عربی در منطقه انجام می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، نامه پیست؟، صفحه‌های ۱۱ تا ۱۳)

۲۰۷- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

در طبقه‌بندی زیست‌بوم‌ها، وایتکر بوم‌شناس به دو عامل بارش و دما توجه کرد و در مدل او جنگل‌های بارانی استوایی و جنگل‌های منطقه معتدله، از بالاترین بارندگی برخوردار هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه ۵۵)

۲۰۸- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

در کم فشار، فشار هوا به سمت مرکز ناحیه کم می‌شود. هوا همیشه از جایی که فشار بیشتری وجود دارد به سمت جایی که فشار کمتری دارد جریان می‌یابد و به این ترتیب، باد به وجود می‌آید.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه ۲۴)

۲۰۹- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

چشم‌انداز یعنی منظره قابل رویت از یک مکان، چشم‌انداز شیوه زندگی مردم یک ناحیه را به مشاهده‌گر نشان می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۷۴)

۲۱۰- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

نواحی که نظام مدیریت ویژه و مخصوص به خود را دارند شامل نواحی خودمختار و مناطق آزاد تجاری هستند. از نواحی خودمختار جهان می‌توان به نخجوان در جمهوری آذربایجان اشاره کرد که در نقشه آمده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی سیاسی، صفحه ۱۱۹)

۲۱۱- گزینه «۳»

(فاطمه سقایی)

منظور از موقعیت یک شهر یا روستا، وضعیت آن سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳)



۲۱۲- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

امروزه با توجه به نقش فعالیت‌های حمل‌ونقل در مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، همه جوامع تلاش می‌کنند برای جلوگیری از این تأثیرات نامطلوب یا کاهش آن‌ها و حل مشکلات چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی کنند.
(جغرافیا (۳)، جغرافیای عمل‌ونقل، صفحه ۴۴)

۲۱۳- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

اختلاف درجه $30^{\circ} - 5^{\circ} = 35^{\circ}$

اختلاف ساعت $30 \div 15 = 2$

صبح $13 - 2 = 11$

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های جغرافیایی، صفحه ۷۶)

۲۱۴- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

این مدل، کانون و مرکز سطحی زلزله را نمایش می‌دهد. کانون زمین‌لرزه نقطه‌ای در عمق زمین است که در آن انرژی انباشته شده در سنگ برای نخستین بار آزاد می‌شود و گسل شروع به از هم گسیختن می‌کند. به ناحیه‌ای از سطح زمین که روی کانون زلزله قرار دارد، مرکز سطحی زمین‌لرزه گفته می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقارنات طبیعی، صفحه ۸۳)

۲۱۵- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

روش‌های غیرسازه‌ای در مدیریت پیش از وقوع سیل، علاوه بر این که تأثیرات نامطلوب کمتری بر محیط زیست دارند، در درازمدت مفیدتر و بسیار کم هزینه‌ترند.

(جغرافیا (۳)، مقارنات طبیعی، صفحه ۱۰۵)

علوم اجتماعی

۲۱۶- گزینه «۲»

(مبیناسارات تاپیک)

عبارت اول ← تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنجار بازمی‌گردد، جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل نمی‌کند.
عبارت دوم ← فرهنگ‌ها و تمدن‌ها براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند ← نمودار عرضی
عبارت سوم ← علت پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف ← تنوع اراده و اختیار و تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۵)

۲۱۷- گزینه «۳»

(مبیناسارات تاپیک)

داوری علوم اجتماعی درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی ← محدود نکردن علم به علم تجربی
ورود آرمان‌ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی ← عمل مردم مطابق با ارزش‌ها

استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی و پس از انقلاب اسلامی ← قلمرو واقعی و آرمانی از جامعه‌ای دیگر متفاوت است

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۴۸ و ۵۱)

۲۱۸- گزینه «۴»

(مبیناسارات تاپیک)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: در جوامع فئودالی غرب، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین، بستگی داشت.

گزینه «۲»: هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد برخی تغییرات هویتی و محرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند.

گزینه «۳»: جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که با منابع ثروت ارتباط دارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۲۱۹- گزینه «۲»

(الوه قفصری)

عملکرد متفاوت افراد نسبت به موضوعی واحد به بخش فردی جهان انسانی مرتبط است؛ برای مثال سه فرد در یک مسابقه، موضوعی واحد را به سه شکل مختلف خلق می‌کنند.

جهان اجتماعی در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها (یا همان بایدها و نبایدها) تحقق می‌یابد.

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه ۴۳)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۴)

۲۲۰- گزینه «۴»

(الوه قفصری)

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. برای مثال، در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند. لذا در این جامعه، ارزش اجتماعی برتر، چیرگی بر دیگر ملل است.

در استعمار فرانو، استعمارگران بیش از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی از ابزارهای فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و «فناوری اطلاعات» استفاده می‌کنند. در این استعمار، که استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند، جهان غرب به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد (تهاجم فرهنگی).

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۵)

۲۲۱- گزینه «۲»

(آزیتا بیدری)

عدم توان جهان اجتماعی برای سامان دادن کنش‌های اجتماعی خود براساس فرهنگ خود ← تعارض فرهنگی

مواجهه و تعامل بسیاری از فرهنگ‌ها مانند مصر و ایران با جهان اسلام ← تحولات هویتی (علل بیرونی)

با وجود به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های خود از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی بازمی‌ماند ← فرهنگ دنیاگریز

در این نوع جهان اجتماعی فطرت آدمی به آرامش نمی‌رسد ← ازخودبیگانگی حقیقی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۳، ۸۵، ۸۸ و ۹۱)



۲۲۲- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

استفاده از مکانب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم یا مارکسیسم توسط نخبگان جهان اسلام ← (علت) عدم حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلامی تربیت یافته بودند و مخدوش ساختن وحدت امت اسلامی پشتوانه‌ای خارج از جهان اسلام نداشتند و از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلام دوری می‌کرد ← (ویژگی) استبداد ایلی و تاریخی و قومی ظهور جهان اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ← (پیامد) الهام از انقلاب اسلامی ایران

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۸)

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۲۲۳- گزینه «۱»

(اله فضری)

جریان اجتماعی روشنفکران به موازات نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت. آن‌ها خود را بیدارگر می‌نامیدند و به ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند (رد گزینه‌های ۲ و ۴).

در هم ریختن نظم پیشین توسط حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی به بهانه رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام شد (رد گزینه ۳). این حکومت‌ها مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کردند و می‌کوشیدند ساختارهای اجتماعی پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی ایجاد کنند.

(پایه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۱۲)

۲۲۴- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

آسان شدن انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز، پیامد سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی است. رونق بخشیدن به اقتصاد کشورهای صنعتی، پیامد جنگ سرد بین دو بلوک به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو است.

ابطال نظریه کنت ← وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم در نیمه اول قرن بیستم

به‌کارگیری مفاهیم شمال و جنوب بعد از جنگ جهانی دوم ← چالش اصلی بین دو بلوک شرق و غرب نیست، بلکه بین کشورهای غنی و فقیر است.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴، ۸۵، ۸۸ و ۸۹)

۲۲۵- گزینه «۱»

(ارغوان عبدالملکی)

در مدل تکثرگرا، تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی و زبانی حفظ و حتی تشدید می‌گردد. البته در این الگو، همچنان وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی ضروری دانسته می‌شود که گروه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند، معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی، ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد. اینان عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد. از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است، بنابراین برای ایجاد برابری، باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت، مخالفان قشربندی گمان می‌کنند، اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و بدین ترتیب همگان شرایطی یکسان خواهند داشت.

در دوره پسامدرن، همه آن‌چه در دوره مدرن پدید آمده بود، از جمله سیاست همانندسازی هویت مورد نقد قرار گرفت و به جای آن، هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت. (علت)

وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می‌آورد. (معلول)

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۴۳)

(پایه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۳ و سیاست هویت، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۲۲۶- گزینه «۱»

(الهام رضایی)

جوامع سوسیالیستی با دو مشکل روبرو بودند:

۱. از بین رفتن آزادی افراد ۲. پیدایش طبقه جدید

بنابراین این قسمت در همه گزینه‌ها، به‌جز گزینه «۳» به‌درستی آمده است. چالش بلوک شرق و غرب، چالش منطقه‌ای نبود، بلکه فرماندهی‌های یا جهانی بود، از طرف دیگر چالش درون فرهنگی بود، چراکه این دو قطب، با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند. بنابراین این قسمت در گزینه‌های «۱» و «۳» به‌درستی آمده است.

شعار لیبرالیسم اولیه، آزادی خصوصاً آزادی اقتصادی بود. بنابراین این قسمت در همه گزینه‌ها به‌درستی آمده است.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۸، ۸۰ و ۸۱)

۲۲۷- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی علت علم از داورهای ارزشی دست برداشت.

نگاه دنیوی انسان مدرن علت نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد.

انتقال فشارهای ناشی از بحران اقتصادی به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد علت پیوند بحران اقتصادی با چالش فقر و غنا و افزایش دامنه آن می‌باشد.

گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی علت رونق بخشیدن به بازار معنویت‌های کاذب و دروغین است.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۵، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۲)

۲۲۸- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

پیامد بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعه: مسئله اسرائیل به عنوان مسئله جهان اسلام مطرح شد.

تغییر فعالیت رقابت‌آمیز از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار: تجربه موفق جنبش تنباکو

مفهوم همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه: مقاومت منفی

عنوان نظریه شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد: پایان تاریخ

(پایه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۷ و ۱۳۲)

۲۲۹- گزینه «۳»

(الهام رضایی)

«الف»: در رویکرد اول، دانش علمی (تجربی)، راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است و دانش عمومی در مقابل آن، از ارزش ناچیزی برخوردار است.

«ب»: جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم) دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

«ج»: رویکرد دوم، در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند.

«د»: دانش علمی، با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند.

(پایه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۵ تا ۸)



۲۳۰- گزینه «۲»

(الهام، رضایی)

نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم؛ بنابراین می‌توان این‌گونه برداشت کرد که انسان‌ها ابتدا برای با هم زندگی کردن، قواعد اجتماعی را ایجاد می‌کنند و سپس در نتیجه این قواعد، نظم اجتماعی برقرار می‌شود. پس قسمت اول در گزینه‌های «۲» و «۳» درست است.

قواعد اجتماعی بر ما و زندگی ما سه اثر دارد:

۱. ارتباط ما با یکدیگر را امکان‌پذیر می‌سازند و سامان می‌دهند.

۲. کنش‌های ما را برای یکدیگر قابل پیش‌بینی می‌کنند.

۳. امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می‌کنند.

قسمت دوم در گزینه «۲»، به ساختار اجتماعی اشاره دارد، نه قواعد اجتماعی.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۶)

۲۳۱- گزینه «۴»

(الهام، رضایی)

پیامدهای نادیده‌گرفتن کنش در زندگی اجتماعی: رکود اراده‌ها (خلافت‌زدایی)، سقوط ارزش‌ها (ارزش‌زدایی) و افول معانی است (رد گزینه‌های ۲ و ۳).

خلاق و فعال بودن انسان‌ها در تولید معانی موجب پیدایش فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۳).

معنابخشی و انسجام‌بخشی به زندگی اجتماعی، هدف رویکرد تفسیری می‌باشد که فقط در گزینه «۴» به درستی آمده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۰ و معنای زندگی، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۲۳۲- گزینه «۱»

(الله فضری)

غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی موجب می‌شد که کار دآوری درباره ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد. این اعتقاد با عنوان جدایی دانش از ارزش بیان می‌شد.

هیچ فرهنگی و هویتی نمی‌پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه فرهنگی و تاریخی دیگری شکل گرفته‌اند و هر گروه، جامعه و فرهنگی می‌خواهد از چشم خودش به خود بنگرد. پیدایش نظریه‌هایی چون نظریه آمریکایی بومی نیز نتیجه چنین مطالبه و درخواستی است. این گروه‌ها می‌گویند علوم اجتماعی تا به امروز دانشی جهان‌شمول نبوده‌است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۵ و سیاست هویت، صفحه ۹۰)

۲۳۳- گزینه «۲»

(الهام، رضایی)

عامل پیدایش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و سپس پدیده‌های اجتماعی در مرحله اول کنش اجتماعی است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۳» به راحتی رد شده و گزینه «۴» را با اغماض نگه می‌داریم.

نادیده گرفتن کنش اجتماعی در رویکرد تبیینی پیامدهایی داشت، یکی از آن‌ها، سقوط ارزش‌ها بود که به دنبال خود منجر به اخلاق‌گریزی در جامعه می‌شد. در مورد عامل شکل‌گیری اخلاق‌گریزی، متن همه گزینه‌ها به جز گزینه «۴» به درستی آمده است.

عامل شکل‌گیری جامعه‌شناسی تفسیری، پدیدار شدن ضعف‌های رویکرد تبیینی در بررسی کنش‌های اجتماعی بود، نه افول آن و در این شرایط بود که رویکرد تفسیری بر کنش اجتماعی و به‌ویژه ویژگی معناداری و هدف‌داری کنش در شناخت و مطالعه آن، توجه کرد؛ بنابراین این قسمت در تمامی گزینه‌ها، به جز گزینه «۱» به درستی آمده است.

(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه ۱۲)

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۴۰)

۲۳۴- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به قدرت برتر سیاسی و نظامی کشورهای استعمارگر، موجب می‌شود تا مبادلات تجاری در سطح جهانی به گونه‌ای نامتعادل انجام شود و انتقال ثروت، به طور مستمر به سوی کشورهای غربی پیدا کند.

تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند، بلکه آشکارا ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب را نیز به سخره می‌گیرد. بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود.

مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری‌جویی غرب، نتیجه استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی در سلطه هژمونیک است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۷، ۷۲ و ۷۳)

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۲۳۵- گزینه «۱»

(الله فضری)

در جامعه آرمانی قصد ظلم به دیگر جوامع وجود ندارد، اما ظلم دیگران هم پذیرفته نمی‌شود.

فقه شیعه در ایران توانسته است نظریات لازم برای دو انقلاب اجتماعی را پدید آورد: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی.

ویژگی اول نظام اسلامی عادلانه بودن روابط و ساختارهای جامعه است (رد گزینه ۲). میرزای نائینی با استفاده از فقه نظام مشروطه را تبیین کرد؛ این نظام گرچه نظام مطلوب نبود، اما بهترین نظام ممکن در شرایط موجود آن روزگار تلقی می‌شد (رد گزینه ۳).

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جوان اسلام، صفحه ۹۷ و

افق علوم اجتماعی در جوان اسلام، صفحه ۱۰۸)

فلسفه و منطق

۲۳۶- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

رابطه دو مفهوم حیوان و غیرجسم تباین است.

هیچ حیوانی غیرجسم نیست - هیچ غیر جسمی حیوان نیست.

چون هیچ‌کدام از این دو قضیه در گزینه‌ها وجود ندارد طبق قانون تداخل صدق جزئی قضیه «هیچ حیوانی غیرجسم نیست» که عبارت است «از بعضی حیوان‌ها غیرجسم نیستند» را نتیجه می‌گیریم.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۲۲، ۲۳، ۶۵ و ۶۶)



۲۳۷- گزینه «۳»

(کیمیا طوماسی)
تعریف این گزینه تمامی شرایط یک تعریف صحیح از جمله واضح، مانع و جامع بودن را دارد.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: جامع نیست؛ زیرا خطاهای اندیشه ممکن است غیر عمدی باشند.
گزینه «۲»: بی ربط است؛ زیرا قضیه جمله‌ای خبری است نه انشایی.
گزینه «۴»: مانع نیست؛ زیرا سایر اقسام استدلال استقرایی را نیز دربرمی‌گیرد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۲۳۸- گزینه «۴»

(کیمیا طوماسی)
برای مقابله با تمثیل ناروا می‌توان از «توجه به وجوه اختلاف» بهره برد. استدلال گزینه «۴» یک استدلال تمثیلی است که در نقد آن می‌توان به وجوه اختلاف میان جامعه و بدن انسان اشاره کرد.
استدلال‌های مطرح‌شده در گزینه‌های «۱» و «۳» و گزینه «۲» به ترتیب از نوع قیاس و استقرای تعمیمی است.

(منطق، اقسام استدلال استقرایی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۲۳۹- گزینه «۴»

(کیمیا طوماسی)
عبارت «عاقلان خوشه‌چین از سر لیلی غافلند» یک قضیه حملی است که در آن به ثبوت چیزی برای چیزی حکم شده است.
در قضیه «این موجود یا غیرانسان است یا ناطق» انفصال از نوع حقیقی است؛ زیرا هر دو جزء قضیه قابل جمع در صدق و قابل جمع در کذب نیستند.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جمله اول قضیه‌ای حملی است که به ثبوت چیزی حکم داده است. انفصال از نوع حقیقی است.
گزینه «۲»: جمله اول از نوع امری است. حکم به ثبوت یا نفی چیزی فقط در قضایای حملی رخ می‌دهد.
گزینه «۳»: جمله اول از نوع قضایای شرطی است. حکم به ثبوت یا نفی چیزی فقط در قضایای حملی رخ می‌دهد. انفصال از نوع مانع‌الجمع است.
گزینه «۴»: جمله اول قضیه‌ای حملی است که به ثبوت چیزی حکم داده است. انفصال از نوع حقیقی است.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۵۶ و ۸۷)

۲۴۰- گزینه «۲»

(فرهار قاسمی نژاد)
اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» صادق باشد، می‌توانیم سه حالت را تصور کنیم: اینکه بین (الف و ب) تباین یا عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من‌وجه وجود داشته باشد، اما در دو حالت عموم و خصوص مطلق و من‌وجه نمی‌توانیم بگوییم که «هیچ الف ب نیست» زیرا دو مفهوم حتماً با هم اشتراک دارند. تنها در تباین است که این قضیه می‌تواند گفته شود.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۲۲، ۲۳، ۶۵ و ۶۶)

۲۴۱- گزینه «۳»

(مبیر پیرسینلو)
میان قضیه «در نیابد حال پخته هیچ خام»: هیچ خامی دریابنده (درک‌کننده) حال پخته نیست، با قضیه «برخی از خام‌ها دریابنده حال پخته نیستند رابطه تداخل وجود دارد. در تداخل از کذب قضیه جزئی به کذب قضیه کلیه می‌رسیم. قضیه سالبه جزئی به عکس لازم‌الصدق ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: میان این گزینه با صورت سؤال، رابطه تضاد وجود دارد. در تضاد از کذب یک طرف نمی‌توان به صدق یا کذب متضاد آن رسید. در صورت صدق قضیه موجبه کلیه، عکس آن (موجبه جزئی) صادق است.
گزینه «۲»: میان این گزینه با صورت سؤال، رابطه تناقض وجود دارد. در تناقض از کذب یکی از طرفین به صدق متناقض آن می‌رسیم (و نه کذب متناقض آن). در صورت صدق قضیه موجبه جزئی، عکس (موجبه جزئی) آن صادق است.

گزینه «۴»: سالبه جزئی به عکس لازم‌الصدق ندارد.

(منطق، امکام قضایا، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۲۴۲- گزینه «۴»

(نیم جواهری)
در استدلال اول به علت بروز اشتراک لفظ حد وسط عیناً در هر دو مقدمه تکرار نشده است و معانی «شور» در مقدمات فرق دارد. پس دو مغالطه اشتراک لفظ و عدم تکرار حد وسط رخ داده است. (تأیید گزینه‌های ۱ و ۲) لذا نمی‌توانیم بگوییم که قیاس معتبری است (رد گزینه ۳). مقدمه دوم این استدلال یک قضیه شخصیه محسوب می‌شود. شور نام یک دستگاه موسیقی ایرانی است و در این قضیه محمول یک بار بر کل موضوع حمل می‌شود (تأیید گزینه ۴).

در استدلال دوم باید خوب به این نکته دقت کنید که قرار نیست هر جمله‌ای اول می‌آید مقدمه اول باشد و هر جمله‌ای دوم بیاید مقدمه دوم باشد. روش درست برای پیدا کردن مقدمات قیاس و تعیین شکل آن این است: مقدمه اول آن مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن می‌آید و مقدمه دوم مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن می‌آید. پس مقدمات این قیاس باید جابه‌جا شوند تا شکل اصلی استدلال را دربابیم که در این حالت قیاس شکل اول خواهد بود (رد گزینه ۲) و علامت موضوع در مقدمه دوم مثبت است (رد گزینه ۱). این استدلال تمامی شروط اعتبار را دارد. دو مقدمه سالبه نیست و حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی ندارد و بخشی از نتیجه هم دارای علامت مثبت نیست که نیاز به بررسی شرط سوم باشد (تأیید گزینه‌های ۳ و ۴). پس در مجموع گزینه «۴» پاسخ این سؤال است.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۵۸، ۷۳ تا ۷۷)

۲۴۳- گزینه «۴»

(فرهار قاسمی نژاد)
این عبارت قیاس استثنایی اتصالی است که به صورت زیر مرتب می‌شود:
اگر «غیر الف آنگاه غیر ب» رفع یا نفی «غیر الف» می‌شود «غیر غیر الف» یعنی همان «الف»، رفع «غیر ب» هم می‌شود «ب». از آن جایی که نتیجه شده است «ب» (یعنی رفع تالی) پس حتماً رفع تالی را از رفع مقدم نتیجه گرفته است. رفع مقدم مغالطه محسوب می‌شود.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۹۱)



۲۴۴- گزینه ۱»

(فرهار قاسمی نزار)

در عبارت اول فرد به حالتی سلبی و منفی به داشتن سر سوزنی غیرت اشاره کرده است و اگر فردی مقابل او بایستد به صفتی منفی دچار می‌شود. (مسموم کردن چاه)

در عبارت دوم اگر غیرت نداشتید یعنی غیرت دارید و در واقع تأیید‌گیر بودن افراد موافق است و به خاطر داشتن حالتی مثبت نوعی تمجید است. (تله‌گذاری)

(منطق، سنهشگری در تفکر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

۲۴۵- گزینه ۳»

(نیما بواهری)

مورد مطرح شده در صورت سؤال نمونه‌ای از مرحله «طرح پرسش» (مرحله دوم) در فرایند تفکر فلسفی است. مرحله بعدی در فرایند تفکر فلسفی «رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال» است که گزینه «۳» بیانگر آن است. گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» به ترتیب مربوط به مراحل «رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت» (مرحله چهارم)، «طرح پرسش‌های فلسفی» (مرحله دوم) و «روبه-رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی» (مرحله اول) هستند.

(فلسفه یازدهم، پیستی فلسفه، صفحه ۵)

۲۴۶- گزینه ۲»

(کیمیا طوماسبی)

اگر به تدریج چشمان فرد رها شده از غار با روشنایی خو بگیرد، انسان‌ها و حیوانات و اشیا واقعی را خواهد شناخت و به سایه بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آن‌ها را حقیقت می‌پنداشت، پی خواهد برد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فیلسوف واقعی درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد (شرط)، آن‌ها را می‌پذیرد.

گزینه «۲»: یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه‌ها است؛ فلسفه از این توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود.

گزینه «۴»: کنار گذاشتن عقایدی که پشتوانه عقلی ندارند، ثمره تلاش فیلسوفان برای آگاه کردن مردم است.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۵)

۲۴۷- گزینه ۳»

(کیمیا طوماسبی)

عبارات (پ و ت) نادرست هستند.

(پ) پارمنیدس هم به یک واقعیت بدون تغییر معتقد بود و هم هستی را فاقد حرکت می‌دانست.

(ت) تالس اولین فیلسوف یونانی دارای اندیشه مشخص است که آب را اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزها می‌دانست.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۲۴۸- گزینه ۳»

(نیما بواهری)

اولین و اصلی‌ترین موضعی که راه سوفیست‌ها را از فیلسوفان جدا کرد انکار شناخت بود. اما این به معنای آن نیست که سوفیست‌ها هر درکی از جهان را انکار کنند. پس در این عبارت انکار شناخت منظور از «شناخت» چیست؟ در واقع سوفیست‌ها با تعریف فیلسوفان از شناخت مقابله کردند آن تعریف این بود که شناخت یعنی حصول درک مطابق با واقع. اما سوفیست‌ها چنین معیاری را رد کردند و گفتند که شناخت ما نمی‌تواند مطابق با واقع باشد.

حالا کمی بیشتر به جمله‌ای که در کتاب درسی آمده است دقت کنید: «آنان معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد» (این را هم برای معلومات خودتان بدانید که شکاکیت سوفیستی ریشه در اغراق در نظریهٔ سیروت هرآکلیتوس دارد. وقتی همه چیز تغییر می‌کند چطور شناختی که ما در لحظه کسب می‌کنیم می‌تواند مطابق با واقعیت متغیر در لحظه بعد باشد).

تمامی مباحث دیگری که سوفسطائیان مطرح کردند بعد از چنین چیزی قابل ارائه است. اکنون اگر شناختی که فیلسوفان می‌گفتند ممکن نیست، پس ادراک ما چگونه حاصل می‌شود؟ اینکه حواس معیار شناخت است بعد از این مطرح می‌شود. سپس از پذیرفتن اینکه معیار ادراک حواس است، نسبی بودن آن (اینکه در هر فرد متفاوت است) و محدود بودن آن تنها به زمان و مکان تحقیقش (نه زمان‌ها و موقعیت‌های دیگر) به دست می‌آید. پس گزینه «۳» پاسخ دقیق و مناسب این تست فلسفی فلسفه است!

(فلسفه یازدهم، ترکیبی، صفحه‌های ۳۷ و ۶۰)

۲۴۹- گزینه ۳»

(مجید پیرفهرسینلو)

از نظر حکمت متعالیه ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می‌گذرد و به انسان می‌رسد، ظرفیتی بی‌نهایت پیدا می‌کند و به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود. در اینجا به عالی‌ترین درجاتی که انسان می‌تواند بدان برسد یعنی درجهٔ خلیفهٔ خدا و مسجود فرشتگان بودن اشاره شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این بیت روح و بدن دو چیز مجزا و بدن به منزلهٔ زندان روح دانسته شده است. در حالی که از نظر حکمت متعالیه روح و بدن وحدتی حقیقی دارند و روح باطن بدن است.

گزینه‌های «۲» و «۴»: در این بیت تقدیر انسان، حتمی و غیر قابل تغییر دانسته شده است. اما در نگاه حکمت متعالیه، در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت. او اختیار دارد که مسیر کمال یا مسیر مغایر آن را انتخاب کند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۵۰- گزینه ۱»

(کیمیا طوماسبی)

به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند؛ حد وسط قوهٔ غضب «شجاعت» است.

اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می‌رسد؛ حالت تفریط عقل «سفاهت» است.

تهور حالت افراط قوهٔ «غضب» است.

(فلسفه یازدهم، انسان، موبو اغلاق‌گرا، صفحه ۸۷)

۲۵۱- گزینه ۲»

(نیما بواهری)

عدم مغایرت وجود و ماهیت می‌تواند به معنای یکی بودن این دو هم باشد و لزوماً به معنی این نیست که ماهیت جزئی از وجود باشد (رد گزینه ۴). اگر وجود و ماهیت مغایر نبودند، از آنجایی که ماهیت هر چیزی بدون دلیل و واسطهٔ عامل خارجی می‌تواند بر آن چیز حمل شود، وجود نیز بر آن حمل می‌شود. مثلاً راجع به مفاهیم خیالی مثل سیمرغ، می‌توانیم بگوییم سیمرغ سیمرغ است، اما آیا به همین اعتبار می‌توانیم بگوییم سیمرغ موجود است؟



پس اگر وجود و ماهیت مغایر نبودند بایستی هر چیزی بدون دلیل وجود می‌داشت (رد گزینۀ ۱) و تمامی امور موهوم و خیالی موجود می‌شدند (رد گزینۀ ۳). توجه کنید که گزینه‌های «۱» و «۳» برعکس این را گفته‌اند، اما گزینۀ «۲» صحیح است؛ دیگر ممکن‌الوجود بی‌معنا بود وقتی هر چیزی صرف ماهیت‌داشتن موجود هم می‌بود. زیرا ممکن‌الوجود یعنی ماهیتی که می‌تواند وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد.

(فلسفۀ دوازدهم، هستی و پیستی، صفحه ۵)

۲۵۲- گزینۀ «۱»

(نیمه پواهری)

خیلی خیلی دقت کنید که مفاهیم «رابطۀ علیت»، «اصل علیت» و «ادراک علیت» را با هم اشتباه نگیرید و در فهم سخن فیلسوفان خیلی ساده‌انگارانه سخنشان را به هر کدام از این‌ها نسبت ندهید. «رابطۀ علیت» یک رابطۀ وجودی در جهان است که یک چیز به چیز دیگر وجود می‌دهد. «اصل علیت» این قانون کلی در ذهن ما است که هر معلولی علتی دارد، نه خود آن رابطۀ وجودی در خارج. هیوم راجع به اصل علیت و آن شناختی که ما از علیت داریم سخن می‌گوید، نه درباره‌ی خود علیت در جهان خارج! آنچه هیوم می‌گوید این است که ما نمی‌توانیم به طور یقینی در جهان رابطۀ علیت به نام رابطۀ علیت بشناسیم چون شناخت درست همان شناخت تجربی است و حس و تجربه نمی‌تواند چیزی به نام علیت شناسایی کند. وقتی کسی بگوید فلان چیز را نمی‌توان شناخت می‌آید درباره‌ی آن سخن می‌گوید و می‌گوید وجود ندارد، حاصل تداعی و... است؟ نه! چون صادر کردن این احکام خود نوعی شناخت است. پس پاسخ صحیح گزینۀ «۱» است و سایر گزینه‌ها مربوط به نظر هیوم پیرامون «اصل علیت / قانون علیت» است، نه رابطۀ علیت.

(فلسفۀ دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه ۱۶)

۲۵۳- گزینۀ «۳»

(الله فاضلی)

با قبول اصل سنخیت بین علت و معلول می‌توان برای نظم دقیق موجود در جهان پشتوانه‌ای عقلی قائل شد. در این‌جا با اشاره‌ی ابن‌سینا به نظم احسن در میان اجزای عالم طبیعت، در واقع به نوعی سنخیت میان اجزای جهان را می‌توان برداشت کرد.

(فلسفۀ دوازدهم، ترکیبی، صفحه‌های ۱۸، ۱۹ و ۸۱)

۲۵۴- گزینۀ «۱»

(مبیر پیرسینلو)

دکارت با این بیان برهان خود را آغاز می‌کند که: من از حقیقتی نامتناهی تصویری دارم. وقتی برهانش را بر تصور خویش استوار می‌کنم می‌توانیم بگوییم برهانش مبنایی ذهنی دارد، زیرا جایگاه تصور در ذهن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۲»: کانت در دومین گام برهان خود بیان می‌دارد که رعایت اخلاق با فرض آزاد و دارای اختیار بودن انسان معنا دارد. نسبت دادن اختیار به نفس انسان، گام سوم برهان اوست.

گزینۀ «۳»: تجربه‌گرایان (غیر از هیوم) که عموماً به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم را معتبر می‌دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می‌کردند.

گزینۀ «۴»: هیوم مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی را برهان نظم می‌داند (برهان نظم تجربی است و برای اثبات وجود خدا به نظم موجود در جهان استناد می‌کند) اما معتقد است این برهان قادر به اثبات خدایی که واجب‌الوجود (ضرورتاً موجود) است، نیست.

(فلسفۀ دوازدهم، فردا در فلسفه (۱)، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۲۵۵- گزینۀ «۲»

بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: از نظر ابن‌سینا وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی‌اند؛ هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند.

گزینۀ «۲»: از نظر ابن‌سینا مجموعه‌ی موجودات می‌تواند محدود یا نامحدود باشد (نادرستی گزینۀ ۲)، در هر حال فرقی نمی‌کند و یا چه کل آن‌ها را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیریم و چه به فرد فرد آن‌ها توجه کنیم، ذاتاً ممکن‌الوجودند و این قوت استدلال ابن‌سینا در مقابل استدلال فارابی است. گزینۀ «۳»: موجودات ماهواً و ذاتاً ممکن هستند و ابن‌سینا به شیوه‌ای متفاوت با فارابی به جای وجود، به ماهیت توجه می‌کند و معیار نیازمندی به خدا را در آن جست‌وجو می‌کند.

گزینۀ «۴»: واجب‌الوجود بالغير همان ممکن‌الوجود بالذات است و ممکن‌الوجود برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند واجب‌الوجود بالذات است؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی او باشد و خودش ممکن‌الوجود نباشد.

(فلسفۀ دوازدهم، فردا در فلسفه (۲)، صفحه ۴۴)

۲۵۶- گزینۀ «۴»

(الله فاضلی)

عالم عقول از عوالم غیرمادی است و عوالم مادی و غیرمادی دارای نسبت تباین هستند. بنابراین نمی‌توانند مصداق مشترکی داشته باشند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: عقل، دستگاه استدلال انسان، از طریق برهان و شناخت عقلی به اثبات عقول می‌پردازد.

گزینۀ «۲»: عقول در قید زمان و مکان نیستند و فاقد جسم‌اند.

گزینۀ «۳»: آنچه شایستگی رسیدن به تجرد از راه تهذیب نفس را دارد، روح انسان است نه ذهن او.

(فلسفۀ دوازدهم، عقل در فلسفه (۲)، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۲۵۷- گزینۀ «۲»

(مبیر پیرسینلو)

ابن‌سینا معتقد است با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی‌توان درباره‌ی آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ‌های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می‌بیند، حادثه‌ای ناگوار تلقی می‌شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می‌کند، می‌داند که پاییز نقش ویژه‌ی خود را در اعتدال طبیعت ایفا می‌کند. در ابیات (ب) هم به مضمونی مشابه این اشاره شده است.

ابن‌سینا از ما می‌خواهد که علاوه بر مطالعه‌ی عالم طبیعت، برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن، در رابطۀ وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم. از نظر ابن‌سینا، تأمل در رابطۀ طبیعت با ماوراءطبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آن‌ها می‌رساند؛ آن‌ها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می‌دارد. این مضمون در ابیات (ج) نیز آمده است.

نکته: مضمون ابیات (الف) و (د) حاوی نوعی شک و تردید در عقایدی است که ابن‌سینا هم از باورمندان بدان است. ابیات (الف) در مخالفت با نظر ابن‌سینا پیرامون ارتباط طبیعت با ماوراء طبیعت است. ابیات (د) در مخالفت با نظر ابن‌سینا پیرامون شر و بدی است.

(فلسفۀ دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۱)

(نیمه پواهری)



۲۵۸- گزینه ۳»

(مید پیر هسینلو)

مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته‌اند. براساس بیانی که شیخ اشراق از مفهوم «اشراق» دارد، مفهوم «نور» را به جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می‌نماید.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۴)

۲۵۹- گزینه ۴»

(الله فاضلی)

بنیادی‌ترین اصل فلسفی حکمت متعالیه، اصل اصالت وجود است. این اصل بیان می‌کند که آنچه اصیل و واقعی است وجود است و ماهیت تنها حاصل انتزاع ذهن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «اصیل بودن کتاب به معنای مطابقت آن با واقع است.

گزینه ۲: «اذهان عمومی اصالت ماهیت را بهتر می‌پذیرفتند، زیرا مردم آنچه را می‌بینند (ماهیت) بهتر از آنچه به تعقل نیاز دارد (وجود) می‌پذیرند.

گزینه ۳: «آنچه منشا اثر نیست، ماهیت است. وجود منشأ اثر است و این اصل آن را دارای اصالت می‌داند.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۲۶۰- گزینه ۳»

(الله فاضلی)

یکی از اصول مهم و بنیان دوم فلسفه صدرایی اصل وحدت وجود است. هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی بیش نیست. آنچه از کثرت در جهان مشاهده می‌کنیم، به معنای وجودهای مختلف و متکثر نیست، بلکه معنای دیگری دارد.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۶)

روان‌شناسی

۲۶۱- گزینه ۲»

(مهدی ابراهیم مازنی)

دلایل اصلی وجود تعاریف مختلف در روان‌شناسی، گذر زمان و پیشرفت دانش از یک سو و زاویه نگاه دانشمندان از سویی دیگر است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۰)

۲۶۲- گزینه ۳»

(موسا عفتی)

اگر حافظه شکل نگیرد، تفکری هم نخواهد بود. حافظه ابزاری برای گذر از شناخت پایه و ورود به شناخت عالی یعنی تفکر است.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۰)

۲۶۳- گزینه ۴»

(مبیناسادات تاپیک)

به رفتارهایی که وابسته به آمادگی زیستی است، ریش یا پختگی می‌گویند. ریش یا پختگی به معنای آمادگی زیستی است که خود دارای برنامه رشد طبیعی و منظمی است.

بر اساس فرایند ریش، آدمی از دوره جنینی تا مرگ برخی خصوصیات را در جنبه‌های مختلف رشد نشان خواهد داد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۲)

۲۶۴- گزینه ۴»

(کوثر دستورانی)

شناخت عالی شامل استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری می‌شود که در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به آن‌ها اشاره شده است؛ اما توجه، احساس و ادراک جزو شناخت پایه هستند که در گزینه «۴» بیان شده است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۱)

۲۶۵- گزینه ۲»

(موسا عفتی)

رشد سریع شناختی در نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۶۱)

۲۶۶- گزینه ۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

مفهوم «حافظه کاری» نشان می‌دهد که انواع حافظه را نمی‌توانیم صرفاً براساس زمان تقسیم‌بندی کنیم، بلکه میزان استفاده از اطلاعات، تعیین‌کننده در دسترس بودن یا عدم دسترسی به آن اطلاعات است.

ردهای حسی ذخیره شده در حافظه حسی، در صورت توجه به اطلاعات تبدیل می‌شوند و به حافظه کوتاه‌مدت و کاری انتقال می‌یابند.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۵)

۲۶۷- گزینه ۱»

(کوثر دستورانی)

الف) تشخیص مسئله با احساس مبهم از مسئله متفاوت است: مرحله اول (تشخیص مسئله)

ب) راه‌حل انتخاب شده باید ارزیابی شود: مرحله سوم (ارزیابی راه‌حل)

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۲۶۸- گزینه ۳»

(موسا عفتی)

توجه با تمرکز متفاوت است؛ اگر توجه مداوم و پایدار باشد، در آن صورت با تمرکز مواجه هستیم. اغلب به دلیل ارتباط نزدیک میان دو مفهوم توجه و تمرکز، همه افراد قادر به تفکیک آن دو نیستند.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه ۷۳)

۲۶۹- گزینه ۱»

(فرهاد علی‌نژاد)

تشریح موارد نادرست:

الف) بررسی تغییرات فراخنای زندگی انسان در روان‌شناسی رشد، از تشکیل نطفه تا مرگ را شامل می‌شود.

ب) دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس هستند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷، ۴۰، ۴۱ و ۴۹)

۲۷۰- گزینه ۳»

(سوفیا فرقی)

حافظه با توجه به نوع اطلاعات، به دو نوع رویدادی و معنایی تقسیم می‌شود. پاسخ به سؤال اول دربرگیرنده شکل‌گیری حافظه رویدادی است که به یک تجربه شخصی مربوط می‌شود؛ اما پاسخ به سؤال دوم دربرگیرنده دانش عمومی افراد است و در حیطه حافظه معنایی قرار می‌گیرد.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)



۲۷۱- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

در روش بارش مغزی سعی می‌شود راه‌حل‌های مختلف ارائه شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۸)

۲۷۲- گزینه «۴»

(کوثر دستورانی)

- ناهماهنگی بین باور بهترین مدیر بودن و ناتوانی در حل مشکل:
ناهماهنگی شناختی

- نسبت دادن شکست به بی‌کفایتی بقیه: اسناد

- توقف کوشش به علت شکست‌های پی در پی: درماندگی آموخته شده

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۵ تا ۱۷۹)

۲۷۳- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

افراد دارای وسواس، موقعیت هشدار کاذب را بیشتر از سایر افراد تجربه می‌کنند. در موقعیت هشدار کاذب محرک غایب است، اما افراد آن را ردیابی می‌کنند. در این اختلال فرد برای مثال با اینکه دست‌هایش را به جایی نزده، فکر می‌کند که دست‌هایش آلوده‌اند و در طول روز بارها و بارها اقدام به شستن دست‌هایش می‌کند.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه ۷۷)

۲۷۴- گزینه «۳»

(فرهاد علی‌نژاد)

اصولاً زمانی با مسئله مواجه می‌شویم که امکانات ما محدود باشد. بسیاری از افراد توانایی‌های خود را نمی‌شناسند. عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۲۷۵- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

در مورد اول تعارض گرایش - گرایش رخ می‌دهد، زیرا هر دو هدف خواستنی‌اند، اما در مورد دوم تعارض گرایش - اجتناب رخ می‌دهد، زیرا از یک طرف گرایش به این دارید که یک سؤال را شانس بزنید و احتمالاً درست دریابید و در عین حال از احتمال غلط بودن پاسخ اجتناب دارید.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۲۷۶- گزینه «۳»

(موسا عفتی)

تبیین به بیان چرایی اتفاق افتادن یک پدیده می‌پردازد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی، تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۷۷- گزینه «۲»

(معمربراهیم مازنی)

ادراک کنترل و کارایی باید سازنده باشد؛ یعنی با شواهد محیطی هماهنگی لازم را داشته باشد، زیرا در صورت ناهماهنگی، نوعی ادراک کنترل و کارایی کاذب ایجاد می‌شود که مانع بروز رفتار است.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه ۱۷۳)

۲۷۸- گزینه «۴»

(فرهاد علی‌نژاد)

با توجه به اینکه فرد تمام پولی را که داشته باخته است، بازی برای او مزیتی به همراه نداشته و او تنها «هزینه» پرداخته است. بنابراین تصمیم فرد باید تحت تأثیر ملاک «هزینه‌ها» باشد (رد گزینه ۱). بدیهی است که تأثیر روانی باخت و نیز اینکه فرد پولی ندارد و اگر از این بیشتر ببازد، باید قرض بگیرد، ریسک بازی را برای او نسبت به ابتدای بازی بالاتر می‌برد.

در صورت سؤال اطلاعات دقیقی راجع به نحوه تصمیم‌گیری شخص نیامده است، از این گذشته شخص چه تصمیم به ادامه بازی بگیرد و چه بازی را ادامه ندهد، فرایند تصمیم‌گیری او (نه نوع تصمیمی که می‌گیرد) است که تعیین می‌کند چه سبک تصمیم‌گیری دارد. بنابراین اطلاعاتی برای تأیید گزینه‌های «۲» و «۳» نداریم.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ تا ۱۴۳ و ۱۴۶)

۲۷۹- گزینه «۴»

(کوثر دستورانی)

تغییرات در زندگی مهم‌ترین عامل ایجاد فشار روانی‌اند که افراد بعد از روبه‌رو شدن با تغییر برای دوباره سازگار شدن با شرایط جدید زندگی تلاش می‌کنند که باعث فشار روانی می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۱۹۵)

۲۸۰- گزینه «۱»

(مبینا تاپیک)

مقابله به معنای تلاش فرد برای از بین بردن فشار روانی و یا به حداقل رساندن و تحمل آن است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۱۹۸)